

انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی و استراتژی جنگ پست مدرن

مهدی رجبی^۱

جنگ پست مدرن نبردی است که استراتژی مسلط و وجه غالب در آن، استفاده از ابزار و اقدامات نرم‌افزاری با بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته می‌باشد. در این جنگ، از اقدامات سخت‌افزاری به صورت تاکتیکی و مقطعی در درون استراتژی‌های نرم‌افزاری استفاده می‌شود. از آنجایی که در برنامه‌های رژیم صهیونیستی سیاست و نظامی‌گری در خدمت امنیت ایدئولوژیکی و قومی است، مطالعات و تحقیقات تکنولوژی جهانی شدن، توسعه و پیشرفت‌های علمی، رایانه‌ای و رسانه‌ای و کلیه امکانات مربوط به دستاوردهای جدید در خدمت این اهداف قرار خواهد گرفت.

وارد شدن اسرائیل به عرصه‌ی جنگ پست مدرن، در حقیقت درگیر کردن غیر نظامیان در عرصه‌ی نبرد، به وجود آوردن محیط نظامی و آموزشی جدید با استفاده از فضاهای مجازی، گسترش سلاح‌های پیشرفته و غیر متعارف نظیر سلاح‌های اتمی، شیمیایی، بیولوژیک و... در راستای ایجاد ترس و وحشت برای اعمال سیاست بازدارندگی و تحمیل خواسته‌های خود می‌باشد.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی.

از ویژگی‌های نبرد پست مدرن حضور در عرصه‌ی نبرد واژه‌ها و جنگ‌های مجازی و تأثیر رسانه‌ها بر سرنوشت نبرد، به کارگیری علوم رایانه‌ای و سرمایه‌گذاری وسیع در زمینه‌ی ایجاد مراکز انیمیشن سازی، تولید بازی‌های کامپیوتری و غیره است که در آن به نوعی چهره‌ی دشمن مخدوش و جبهه‌ی خودی مظلوم نشان داده می‌شود.

تحولات اخیر در حوزه‌های مختلف علوم و تکنولوژی که از آن تحت نام «جهانی شدن» یاد می‌شود تأثیرات مختلفی را در عرصه‌هایی نظیر اقتصاد، فرهنگ، اطلاعات و تکنولوژی، امنیت و محیط زیست و نفوذ سازمان‌های غیردولتی در زندگی مردم به وجود آورده است. این فضای جدید برای اسرائیل به عنوان کشوری پیشرفته و متأثر از کمک‌های مالی و تکنولوژیکی آمریکا و سایر کشورهای اروپایی شرایط جدیدی فراهم ساخته است که بی‌تردید در این شرایط سیاست‌های تجاوزطلبانه و نظامی‌گری این رژیم نسبت به گذشته، تغییرات عمده‌ای خواهد کرد.

شناخت این تغییرات برای جمهوری اسلامی به عنوان پرقدرت‌ترین کشور اسلامی در مقابله با سیاست‌های رژیم صهیونیستی یک ضرورت تردید ناپذیر خواهد بود. نوشته‌ی حاضر در پی آن است تا با بررسی استراتژی‌های اسرائیل در جنگ پسا تجدد (پست مدرن)، ابعاد سیاست جدید این رژیم را در برخورد با جهان اسلام، مسائل منطقه و در رأس همه ایران، تا حدودی مشخص نماید و عرصه‌های جدیدی که به یمن فن‌آوری‌های نوین برای سیاست‌های اسرائیل گشوده شده است را تجزیه و تحلیل کند.

پسا تجدد و فضای عصر جدید

اگرچه ارائه‌ی تعریف دقیق از مفهوم پسا تجدد (پست مدرن) با توجه به برداشت‌های متنوع و وجود مجموعه‌ای از جریان‌های فلسفی، فرهنگی، سیاسی و کلامی، کار پیچیده‌ای است، اما اغلب متفکرینی که به این دوره معتقد بوده یا آن را به نقد کشیده‌اند، علائمی را برای عصر پست مدرن و تفاوت آن با دوره‌ی مدرنیته ذکر می‌کنند که عمده‌ترین این علائم عبارتند از: ظهور دولت رفاهی در اقتصاد، ظهور کاتل‌ها و تراست‌های عظیم صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی، تضعیف نقش دولت - ملت در تعیین سرنوشت ملت‌ها، دگرگونی در فضاهای سنتی و اجتماعی و ظهور فرهنگ و روابط اجتماعی جدید، متزلزل شدن اقتصاد ملی و جایگزینی یک اقتصاد جهانی؛ تحقق انقلاب در فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، دگرگونی در محیط زیست جهانی، تعارض میان فرهنگ‌ها، جهانی شدن تکنولوژی ارتباطات و داده پردازی، ظهور

چارچوب‌های نظارتی پر قدرت بین‌المللی مانند سازمان عفو بین‌الملل، حقوق بشر و... این علائم نشان دهنده‌ی گذار عصر به دوره‌ی جدیدی است که از دیدگاه بسیاری از متفکرین بن‌مایه‌های این دوره با دوره‌ی مدرنیته کاملاً متفاوت است. در رأس بن‌مایه‌ی عصر جدید گسترش فضاها‌ی ذهنی و جایگزینی ذهنیت‌ها بر عینیت‌هاست. اگر در مدرنیته، عینیت و تجربه خمیرمایه‌ی بسیاری از دیدگاه‌های فکری، فلسفی و علمی بود، در پست مدرن این فضاها‌ی مجازی است که اهمیت پیدا می‌کند، زمان و مکان جای خود را به فضا می‌دهد. اگر دولت - ملت واحد سیاسی حقیقی برای بررسی‌های مدرنیته بود در عصر پست مدرن جهان به عنوان یک واحد سیاسی مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد.

در پست مدرن اصول و قواعد از پیش فرض شده و ثابت دیگر وجود ندارد. در این خصوص ژان فرانسوا لیوتار می‌نویسد:

یک هنرمند یا نویسنده‌ی پست مدرن در مقام یک فیلسوف، متنی که می‌نویسد و اثری که خلق می‌کند از نظر اصول تحت هدایت قواعد از پیش تثبیت شده قرار ندارد و نمی‌توان در مورد آنها مطابق با حکم ایجابی، یا به کار بستن مقولات آشنا در متن یا اثر هنری قضاوت نمود... بنابراین هنرمند و نویسنده، بدون قواعد برای تدوین قواعدی برای آنچه که انجام خواهد یافت، کار می‌کند... پست مدرن را می‌باید بر اساس پارادوکس آینده‌ی پیشین درک نمود.

تفاوت بنیادین مدرنیته و مابعد مدرنیته را می‌توان در جدول زیر تا حدودی نشان داد:

تفاوت مدرنیته و مابعد مدرنیته^۱

در فلسفه؛

مدرنیته	مابعد مدرنیته (پست مدرن)
مونیسیم (وحدت گرایی)	پلورالیسم (کثرت گرایی)
ماتریالیسم (مادی نگری)	نگرش نشانه شناختی

در رسانه‌ها؛

دنیای چاپ؛	الکترونیک‌های باز تولیدی
تحول سریع	نوری / تحول جهانی

۱. حسینعلی نوردی، صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته، انتشارات نقش جهان، اصفهان، ۱۳۷۹، صص ۳۴۳ تا

در سیاست:

دولت‌های ملی (ملت - دولت‌ها)	مناطق (پیکره‌ها) واحدهای فراملی
اقتدارگرا	دمکراتیک
اجماع	اجماع مورد مناقشه
برخورد طبقات	مسائل جدید در دستور کار، سبزها

در فرهنگ:

تأکید بر کاربرد کلمات صحیح (لفظ قلم نویسی)	رمزگذاری مضاعف، زبان دوگانه
نخبه گرایی	نخبه / گفتگوی توده‌ای

با توجه به علائم مذکور و فروریختن ساختارها و تحول در تصورات و مفاهیم قطعی تلقی شده و شکل‌گیری هویت جدید، عده‌ای معتقدند که درگیری‌های آینده از جنبه‌ی کلی در دو شکل عمده بروز خواهد کرد:

۱- درگیری‌های هویتی؛ این درگیری ناشی از تحولات گسترده در حوزه‌ی اطلاعات و گسترش روز افزون رسانه‌ها و رخنه‌ی آنان در زندگی خصوصی و خلوت انسان‌ها بوده و همین امر سبب گردیده تا هویت نیز مانند بسیاری از مسلمات زندگی گذشته، دست‌خوش بحران و در معرض چالش قرار گیرد. موضوع تابعیت، ارزش‌ها و باورهای شخصی و اجتماعی، خرده فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هنجارها، دین و مذهب و بسیاری از مقولات مطرح در حوزه‌ی هویت فردی، اجتماعی و دینی و نقش‌های اجتماعی افراد، دچار دگرگونی‌های شدید شود.

به گونه‌ای که دیگر امکان جلوگیری از نفوذ فرهنگ‌های رسانه‌ای برای مقابله با فرهنگ‌های ملی و بومی از طریق دولت به سختی میسر خواهد بود.

۲- درگیری‌های امنیتی؛ درگیری‌های امنیتی در عصر پسا تجدد، عموماً به حوزه‌ی مسائل امنیتی و اطلاعاتی و در رأس آن مقوله‌ی جاسوسی و ارسال اطلاعات و روش جمع‌آوری اطلاعات باز می‌گردد.

اگر حرفه‌ی جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات در گذشته از طریق نفوذ، استخدام جاسوس، خرید اطلاعات و مسائلی از این قبیل انجام می‌گرفت، امروزه با پیشرفت‌های علمی و

تکنولوژیکی و از همه مهم‌تر ظهور سایت‌های اینترنتی امکان ارسال اطلاعات دور از چشم شبکه‌های ضد جاسوسی کشورها، به اشکال عادی، رمزی و غیره یک امر عادی تلقی می‌شود. با این تفاسیل، مسأله‌ی حیطة‌بندی اطلاعات و شیوه‌ی مقابله با جاسوسی‌های پست مدرن یکی از مسائل عمده‌ی امنیتی برای کشورهای است که به دلایل مختلفی در معرض هجوم اطلاعاتی قرار دارند.

به کارگیری فن‌آوری‌های جدید از سوی سازمان‌های جاسوسی سبب گردیده تا ملزومات این فعالیت‌ها نیز دچار دگرگونی گردد. شیوه‌ی اتصال به شبکه‌های جاسوسی، حجم اطلاعات، کار تحلیل، سهولت دسترسی به جنگ افزارهای متکی به فن‌آوری عالی و تجهیزات ارتباطی به طور کلی نه تنها شیوه‌های مقابله با جاسوسی بلکه معضلات بزرگی چون، سازمان‌های تروریستی، باندهای مواد مخدر و خلاصه بسیاری از شبکه‌های براندازی که محل امنیت ملت‌ها هستند را دچار دگرگونی نموده است.

این دو حوزه‌ی درگیری به ما نشان می‌دهد که عصر جدید را دیگر نمی‌توان با مفاهیم سنتی گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. استراتژی‌های جنگ مابعد مدرنیته، استراتژی‌های پیچیده‌ای است که تاکتیک‌های آن مبتنی بر فن‌آوری جدید، جنگ‌های خیالی، جنگ‌های رایانه‌ای، جنگ سببرنتیکی، جنگ‌های اطلاعاتی، جنگ‌های اینترنتی، درگیری مغزها و مفاهیم اساسی چون اینترنت، ماهواره، رایانه، ژنتیک و امثال ذلک است.

در جنگ مابعد مدرنیته، استراتژی مسلط و وجه قالب در آن استفاده از ابزار و قدرت نرم افزاری در فضاهای مجازی است. استفاده از سخت افزارها، محدود و مقطعی بوده و صرفاً سیاست‌های موردی در دل استراتژی‌های کلی نرم افزاری است. اگر در جنگ‌های گذشته استراتژی مسلط، اقدامات سخت افزاری نظیر انهدام دشمن در روی زمین، تسخیر مواضع جغرافیایی و نابودی قدرت و توانایی مادی و سرنگونی یک حاکمیت از طریق عملیات نظامی یا براندازی بود، در عصر مابعد مدرنیته همه‌ی این استراتژی‌ها در سیاست‌های نرم افزاری ساماندهی خواهد شد.

چشم‌اندازهای کلی جنگ مابعد مدرنیته به ما هشدار می‌دهد که رژیم صهیونیستی به عنوان بزرگ‌ترین خطر صلح و امنیت کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و در رأس آن ایران، در دهه‌های آتی، استراتژی‌های خود را در اجرای سیاست‌های نظامی‌گری برای حفظ هویت قومی - مذهبی خود بی‌تردید دگرگون خواهد کرد.

در آینده‌ی بسیار نزدیکی باید شاهد ظهور تحولات جدیدی در سیاست‌های نظامی گرایانه‌ی اسرائیل باشیم، که ماهیت و کیفیت آن بی‌تردید با آنچه که در سیاست‌های گذشته‌ی این رژیم وجود داشته، متفاوت خواهد بود. این علائم را می‌توان در سیاست‌های دهه‌ی اخیر رژیم صهیونیستی به نحوی مشاهده کرد.

دگرگونی دیدگاه‌های رژیم صهیونیستی را با توجه به تحولات جهانی شدن می‌توان در چشم‌اندازهای زیر مورد مطالعه و توجه قرار داد:

۱- چشم‌اندازهای علمی و تکنولوژیکی،

۲- چشم‌اندازهای مالی،

۳- چشم‌اندازهای رسانه‌ای.

چشم‌اندازهای علمی و تکنولوژیکی

سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و پژوهش‌های علمی و صنعتی و رشد و توسعه در حوزه‌ی علوم و تکنولوژی، از ویژگی‌های منحصر به فرد رژیم صهیونیستی نسبت به همسایگان خود می‌باشد. چنان که این رژیم در پژوهش‌های علمی ۷۰ برابر و در ثبت اختراعات، بیش از هزار برابر در مقایسه با اعراب کارایی دارد. حجم صادرات رژیم صهیونیستی از فن‌آوری‌های پیشرفته طی سال ۲۰۰۰ میلادی ۷ میلیون دلار بوده است.^۱ این رقم ناشی از ساخت متفاوت اقتصادی و صنعتی و نیز دورنمایی است که رهبران این رژیم ترسیم نموده‌اند.

رهبران رژیم صهیونیستی از بدو اشغال فلسطین در پی آن بودند تا این کشور را متفاوت با کشورهای عربی منطقه ساخته و آن را همسان کشورهای پیشرفته در آورند. لذا تمام سعی خود را در ایجاد خود باوری و تلاش در جهت رشد و توسعه مصروف نمودند. تشویق به کار در مزارع کشاورزی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی صنعت، از عواملی نبودند که صهیونیست‌ها را از وارد شدن در زمینه‌ی‌های تحقیقات کشاورزی و صنعتی و سایر حوزه‌های پژوهشی غافل نماید.

صهیونیست‌ها، پس از پشت سر گذاردن جنگ‌های متعدد بر آن شدند تا با سرمایه‌گذاری در بخش فن‌آوری‌های نوین، علاوه بر کاهش هزینه‌های نظامی، ماشین را جایگزین انسان نموده و هر چه بیشتر تلفات خود را به دلیل محدودیت‌های نیروی انسانی، نسبت به اعراب کاهش داده

۱. دورنمای جنبش صهیونیسم در فلسطین، نشریه‌ی نداء القدس، سال سوم، شماره‌ی ۶۳، تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱، ص ۳۴.

و تلفات بیشتری را به دشمنان تحمیل نمایند. در حوزه‌ی امنیتی نیز آنها سعی می‌کنند تا تکنولوژی پیشرفته را در سازمان‌های امنیتی خود به کار گیرند و در این راستا در طی ادوار مختلف، سازمان جاسوسی رژیم اشغال‌گر قدس موساد، در صدد استخدام گسترده‌ی متخصصان رایانه‌ای بر آمده است. رژیم اشغال‌گر قدس برای تقویت توان اطلاعاتی در فن‌آوری‌های مرتبط با اینترنت و داده پردازی سیستم‌های موساد، به روش‌های مختلف، اقدام به جذب نیروهای جدید کرده است.^۱

پیشرفته کردن صنایع و تجهیزات داخلی، ساخت و فروش قطعات سخت افزاری و برنامه‌های نرم افزاری و کسب در آمد سرشار در این حوزه‌ها و حضور در بازارهای بین‌المللی از دیگر اهداف رژیم صهیونیستی در سرمایه‌گذاری در بخش فن‌آوری‌های نوین می‌باشد. در حال حاضر سرمایه‌گذاری در بخش فن‌آوری رایانه‌ای سبب گردیده تا بیش از ۴۸۰۰ شرکت متخصص در فن‌آوری مدرن و نرم افزاری پیشرفته در خدمت رژیم صهیونیستی باشند، که بیشتر این شرکت‌ها در مجتمع صنعتی تکنیون^۲ در حیفا و وایزمن^۳ واقع در تل آویو فعالیت دارند که مطابق با آمار منتشره توسط رژیم صهیونیستی ارزش صادراتی و نسبت رشد سالانه‌ی آنها در سال‌های اخیر بالغ بر ۶ درصد می‌باشد. این شرکت‌ها بیشترین فعالیت خود را به طور مستقیم در زمینه‌ی فن‌آوری نظامی و برنامه‌ریزی برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی نظامی و شرکت‌های داخلی و خارجی و همچنین ساخت سلاح‌های مدرن و عملیات جاسوسی در سطوح بین‌المللی متمرکز کرده‌اند.^۴

صهیونیست‌ها با سرمایه‌گذاری بر فن‌آوری نوین و فعال نمودن شرکت‌های متعدد در زمینه‌ی تکنولوژی جدید علاوه بر کسب در آمد، توانسته‌اند اهداف نظامی و امنیتی خود را پیگیری نموده و سطح علمی کشور را نیز در مقایسه با سایرین، حتی کشورهای توسعه یافته بالاتر برند چنان که در این زمینه انریکو لتا وزیر صنایع و تجارت خارجی ایتالیا در نخستین اجلاس همکاری‌های علمی و فن‌آوری ایتالیا و اسرائیل، در خصوص توانایی‌های آن رژیم بیان می‌دارد: اسرائیل در بسیاری از موارد مربوط به اقتصاد جدید از ما جلوتر است.^۵ برخی از

۱. خبرگزاری، ۸۰/۲/۱۴.

۲. TECHNION

۳. INSTITUTE WEIXMANN

۴. جنگ رایانه‌ای در فلسطین، بخش اول، ماهنامه‌ی ندا، القدس، سال چهارم، شماره‌ی ۶۹، تاریخ ۸۲/۳/۱، ص ۵۵.

۵. خبرگزاری، اول فروردین، ۱۳۸۰.

توانایی‌های رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی تکنولوژی عبارتند از: الکترونیک ارتباطات راه دور، مواد اولیه برای بخش‌های مربوط به فضاوردی، تولید خودرو، همچنین نرم افزار برای امنیت و سیستم‌های کنترلی.

توجه ویژه‌ی رژیم صهیونیستی به موضوع استفاده از فن‌آوری در راستای نظامی تا بدانجا امتداد یافته است که آن رژیم قبل از حمله‌ی امریکا به عراق که به سقوط صدام منجر گردید، از بیم حملات احتمالی عراق، نسبت به ایجاد مدارس مجازی در تل آویو اقدام نمود. تا در صورت آغاز جنگ علیه عراق آموزش را از طریق رایانه ادامه دهند.^۱

این اقدام، نمادی از توسعه استفاده از رایانه و فراگیر بودن این صنعت در سرزمین اشغالی می‌باشد. اما فن‌آوری‌های نوین علاوه بر آنکه فرصت‌های پیشرفت صنعتی و اقتصادی را در اختیار اشغال‌گران گذاشت، تهدیدات جدیدی را نیز متوجه این رژیم نموده است. رژیم صهیونیستی در طول نبردهای پیدا و پنهان خود با فلسطینی‌ها توانسته بود با استفاده از روش‌های سانسور خبری و در اختیار داشتن رسانه‌های متعدد دولتی و فرامرزی به شیوه دلخواه خود، چهره‌ای منفی از مبارزان فلسطینی در نزد اذهان عمومی در داخل و خارج آن کشور ایجاد نماید و علاوه بر آن، اقدامات خشن نظامیان خود را نیز پنهان نماید. اما به یمن فن‌آوری جدید، سازمان‌های مبارز فلسطینی نیز با ایجاد سایت‌های اینترنتی، اقدام به روشن ساختن مواضع خود و نیز چگونگی اقدامات رژیم صهیونیستی در عرصه‌ی مقابله با فلسطینیان نمودند و این اقدامات در حوزه «جنگ پست مدرن» بر صهیونیست‌ها بسیار گران آمده و آنان را وادار نمود تا به پایگاه‌های اینترنتی جنبش جهاد اسلامی فلسطین حمله و آن را از کار اندازند. به گفته‌ی منابع جنبش، سایت اینترنتی جهاد اسلامی به آدرس: www.Jihadislami.com در یک اقدام همسو با دیگر فعالیت‌ها، جهت خاموش نمودن صدای آزادی‌خواهی مردم مسلمان فلسطین مورد حمله قرار گرفته است. اشاره می‌شود پایگاه اینترنتی: www.qudsway.com یکی دیگر از پایگاه‌های اینترنتی جنبش جهاد اسلامی فلسطین به رغم آنکه تاکنون چندین بار مورد حمله‌ی صهیونیست‌ها قرار گرفته و گروه فشار صهیونیستی جنجال گسترده‌ای را علیه آن به راه انداختند. همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.^۲ این گونه اقدامات نشان از گشوده شدن جبهه‌ای جدید در مقابل رژیم صهیونیستی

دارد که تاکنون آن رژیم در آن کمتر درگیر بوده و از این ناحیه احساس خطر می‌نموده است. همچنین رفتار آن رژیم در بستن سایت مبارزان فلسطینی گویای تأثیری است که رسانه‌های جدید الکترونیکی در سرنوشت نبرد دارند.

چشم اندازهای مالی

همان‌گونه که ذکر شد مسائل مالی از آن جهت در یک جنگ پست مدرن حائز اهمیت می‌باشد که بررسی آن می‌تواند از سویی عمق و سرعت پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی را هویدا ساخته و از سوی دیگر نوسانات، اختلالات و وابستگی به در آمد خاص را که می‌تواند آینده‌ی کشور را در برابر مشکلات و فشارها دچار آسیب نماید، نشان می‌دهد. اما اقتصاد رژیم صهیونیستی در میان کشورهای منطقه و نیز بسیاری از کشورهای خارج از منطقه، دارای شکوفایی منحصر به فردی است. این موضوع شامل تولید ناخالص ملی و رشد قدرت خرید اشغال‌گران می‌باشد. تا جایی‌که در مقاطع خاص زمانی؛ اقتصاد آن رژیم همتای اقتصاد امریکا رشد داشته و توانسته جایگاه مناسبی را در لیست درجه‌بندی توسعه اقتصادی به خود اختصاص دهد. آخرین گزارش برنامه‌ی رشد سازمان ملل موسوم به «گزارش رشد بشری سال ۲۰۰۱»، نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در سطح اقتصادی بسیار بالایی قرار دارد و تولید ناخالص ملی آن در سال ۱۹۹۹ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار (دقیقاً ۱۰۰/۸ میلیارد) رسیده است که قدرت خرید کلی را به ۱۱۲/۶ میلیارد دلار ارتقا داده، تا قدرت خرید فردی از این تولید، بر اساس معادله‌ی مربوطه به ۱۸۴۴۰ دلار برسد. میانگین رشد سالانه‌ی فردی از تولید ناخالص ملی، بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۹ یعنی در دوره‌ای که اقتصاد جهانی از رکود رنج می‌برد، ۲ درصد عنوان شد. میانگینی که هم‌تراز با میانگین رشد ایالات متحده‌ی امریکا قرار دارد. رژیم صهیونیستی در لیست درجه‌بندی توسعه‌ی بشری، رتبه‌ی بیست و دوم را بین ۱۶۲ کشور جهان در اختیار دارد.^۱

توسعه و شکوفایی اقتصاد رژیم صهیونیستی در چارچوب مرزهای این کشور محصور نشده و آن رژیم توانسته است با حضور قدرتمند در بازارهای تجاری دنیا، رقیب قابل ملاحظه‌ای برای کشورها و شرکت‌های بزرگ دنیا در عرصه‌های مختلف کشاورزی و صنعتی باشد. علاوه بر آن توانسته است با توسعه‌ی روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در اقصی نقاط

دنیا، سود سرشاری را از ناحیه‌ی اعزام کارشناسان و انتقال دانش فنی و صدور فن‌آوری نصیب خود نماید. برای مثال طی دهه‌های شصت و هفتاد میلادی ۱۵۰۰ کارشناس رژیم صهیونیستی در کشورهای آفریقایی حضور داشتند. رژیم صهیونیستی ۶۲۰۰ کار آموز آفریقایی را در زمینه‌ی‌های مختلف برای آموزش در فلسطین اشغالی پذیرفت. همچنین شرکت‌های مهندسی و صنعتی رژیم صهیونیستی هم با امضای قراردادهای تجاری در آفریقا، صدها میلیون دلار سود بردند. به نحوی که حجم واردات رژیم صهیونیستی از آفریقا از ۴۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۹۰ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار در سال ۱۹۸۰ و به ۲۴۶ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار در ۱۹۹۳ رسید. حجم صادرات رژیم صهیونیستی به آفریقا نیز طی سال‌های فوق‌الذکر طی سیر صعودی از ۳۰ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار به ۱۳۷ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و دست آخر به ۲۳۵ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار رسید.^۱ روند صعودی رشد سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در کشورهای آفریقایی همسو با دیگر تحولات مثبت اقتصادی آن رژیم نشانگر چشم‌انداز مثبت مالی است. اما اگر بخواهیم نگاهی همه‌جانبه به مسائل اقتصادی و مالی رژیم صهیونیستی داشته باشیم ضرورت دارد تا به وابستگی اقتصاد آن رژیم به کمک‌های خارجی نظری بیفکنیم چنان که وابستگی به یک محصول و یا در آمدی خاص خود می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را در حوزه‌های مختلف سبب گردد. برای مثال رشد مثبت اقتصادی عربستان سعودی در صورتی که ناشی از وابستگی شدید به فروش نفت باشد و یا برزیل به شکر و دیگری به کاکائو و..... می‌توانند این کشورها را در فراز و نشیب‌های بازارهای بین‌المللی آسیب‌پذیر نمایند. وابستگی اقتصاد رژیم صهیونیستی نیز به کمک‌های خارجی علاوه بر آنکه رشد واقعی اقتصاد آن کشور را به زیر سؤال می‌برد، می‌تواند این کشور را در صورتی که به هر دلیلی این کمک‌ها قطع گردد در معرض آسیب قرار دهد. اقتصاد رژیم صهیونیستی اصولاً بر اساس کمک‌های اروپا و امریکا قدرت گرفت. از خسارت‌های دریافتی از آلمان رشد و نمو یافت و از ادامه‌ی کمک‌های امریکایی و جمع‌آوری اعانه توسط سازمان‌های صهیونیستی در جهان ادامه‌ی حیات می‌دهد.^۲

روژه گارودی با بیانی دیگر برای روشن ساختن چگونگی قوام یافتن اقتصاد صهیونیست‌ها و نشان دادن وابستگی این اقتصاد به کمک‌های خارجی، در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ یک

۱. حضور صهیونیست‌ها در آفریقا، نشریه‌ی نداء القدس، سال سوم، شماره ۶۳، اول فروردین ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۲. اقتصاد رژیم صهیونیستی و... همان، ص ۲۰.

ارتداد، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل» بیان می‌دارد، کشورهای نظیر آلمان به دلیل خساراتی که در جریان جنگ جهانی دوم به یهودیان وارد آوردند (گذشته از این موضوع که گارودی این خسارات را تا چه میزان منطبق بر واقعیت می‌داند) ملزم به جبران خسارات به اسرائیل گردیده است. همچنین کمک‌های ایالات متحده‌ی آمریکا نیز برای اقتصاد اسرائیل همچون دارویی شفا بخش عمل نموده که به آن به صورت مفصل در ادامه خواهیم پرداخت و در آخر گارودی پرداخت‌های داوطلبانه‌ی یهودیان سایر کشورها، تحت عنوان «دیاسپورا» را از جمله منابع مالی اسرائیل می‌داند. وی در دست‌بندی خود در خصوص جریان‌های مالی که از خارج به سوی رژیم صهیونیستی سرازیر شده است موارد زیر را ذکر می‌کند:

۱. جبران خسارات از جانب آلمان و اتریش.

۲. از طریق دست و دل بازی‌های بی‌قید و شرط ایالات متحده.

۳. به دلیل پرداخت، «دیاسپورا» مجموعه‌ی جماعات یهودی که از زمان ایجاد اسرائیل در خارج از آن به سر می‌برند.^۱ در زمینه‌ی سازمان‌دهی پرداخت کمک به اسرائیل از سوی یهودیان می‌توان برای مثال به اقدامات سازمان **مگبیت** در این راستا اشاره داشت. این سازمان که در کشورهای مختلف دفاتر مخصوص به خود را اداره می‌نماید هدف خود را جمع‌آوری اعانه برای ارتش رژیم صهیونیستی و ترغیب جوانان یهودی ایران برای کمک و پشتیبانی از اسرائیل قرار داده است.^۲

همان‌گونه که بیان شد، اگر بخواهیم به دلایل کمک‌های آمریکا به رژیم صهیونیستی اشاره داشته باشیم می‌توانیم از دلایلی چون ایجاد مسابقه‌ی تسلیحاتی در منطقه و فروش تسلیحات، ایجاد امکانات لازم جهت مداخله در امور منطقه با کمک آن رژیم، استفاده از صهیونیست‌ها در راستای حضور آمریکا در منطقه و نزدیک شدن به منابع نفتی منطقه، اجرای سیاست سد نفوذ در مقابل شوروی سابق، استفاده از صهیونیست‌ها به عنوان حافظ منافع آمریکا در منطقه، اجرای سیاست‌های امنیتی و نظامی آمریکا در منطقه و... نام برد. اما به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود دلایل فوق که به نوعی کمک‌های آمریکا به رژیم صهیونیستی را از وجوه امنیتی سیاسی

۱. روزه گارودی، تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیان گذار سیاست اسرائیل، ترجمه‌ی مجید شریف، انتشارات مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران: ۱۳۵۷، ص ۲۲۷، همچنین جهت مطالعه‌ی بیشتر پیرامون کمک‌های خارجی به رژیم صهیونیستی ر. ک به صفحات ۲۷۰ - ۲۵۹.

۲. ر. ک سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران: ۱۳۸۱، ص ۳۷۵.

و... توجیه می‌کند، دلیلی ایدئولوژیک نیز در ارسال این گونه کمک‌ها وجود دارد که آن حمایت مسیحیت صهیونیستی مستقر در امریکا از اشغال‌گران فلسطین است. که به دلیل اهمیت این دیدگاه در حمایت از آنان این موضوع را به صورت دقیق‌تر در فصل بعدی موشکافی خواهیم نمود. اما علاوه بر حمایت مسیحیت صهیونیستی مستقر در امریکا از رژیم صهیونیستی، فعالیت لابی قدرتمند طرفدار صهیونیست در امریکا نیز در راستای همسو کردن منافع امریکا با آنان و نیز متقاعد کردن سیاستمداران امریکایی به کمک به صهیونیست‌ها قابل توجه است. البته شاید در وهله‌ی اول این نکته متبادر به ذهن گردد که چگونه سیاستمداران کشور قدرتمندی چون امریکا می‌توانند از یک اقلیت کوچک یهودی متأثر گردند؟! در این زمینه لازم به ذکر است که در ایالات متحده که در آن ۶ میلیون یهودی زیست می‌کنند رأی یهودیان می‌تواند تعیین کننده باشد زیرا که اکثریت انتخاباتی به (دلیل نرخ بالای امتناع و نبود طرح‌های فراگیر مغایر میان دو حزب) به عوامل اندکی بستگی دارد و پیروزی می‌تواند با اختلاف کمی به دست آید. به علاوه سیاست آرای عمومی که بخش مهمی از آن به جلوه‌ی نامزد یا به مهارت او در هنر نمایی‌های تلویزیون بستگی دارد تابعی از بودجه‌های کمیته‌های انتخاباتی او و امکانات بازاریابی سیاسی وی می‌باشد. در ۱۹۹۸ انتخابات امریکا برای عضویت در سنای یک بودجه‌ی تبلیغاتی ۵۰۰ میلیون دلاری طلب می‌کند. گروه فشاری که بیش از همه قدرتمند است و در capitoloe دارای اعتبار می‌باشد.^۱

قدرت ایپک^۲ در امریکا به نحوی مؤثر است که حضور در سلسله مراتب قدرت در این کشور را در همراهی و همنوایی با صهیونیست‌ها قرار داده است و در همین راستا گارودی لیست بلند بالایی از اظهار نظر رؤسای جمهور امریکا در خصوص حمایت از صهیونیسم را در کتاب فوق الذکر خود آورده است که گویای قدرت ایپک در امریکا است. علاوه بر این نفوذ لابی اسرائیل در امریکا بیش از آنچه تصور می‌شود سیاست و اشنگتن را در خاورمیانه به نفع این رژیم به انحراف کشانده است. به حدی که در صورت تعارض منافع دو طرف در خاورمیانه، در بسیاری از موارد، تأمین منافع اسرائیل بر منافع امریکا اولویت دارد.^۳ در خصوص در اختیار

۱. روژه گارودی، همان، صص ۲۱۵، ۲۱۶.

۲. A. I. P. A. C.: کمیته امریکایی - اسرائیلی امور عمومی است.

۳. علی رحیمی، اسرائیل و بحران عراق، منافع و چالش‌ها، نشریه‌ی نگاه، سال سوم، شماره‌ی ۳۲، اسفند ۱۳۸۱،

قرار دادن تسهیلات مالی توسط دولت امریکا که در غالب کمک‌های نظامی و کمک‌های اقتصادی به صورت وام و یا کمک بلاعوض به رژیم صهیونیستی صورت گرفته است از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۹۹ در مجموع نشان دهنده ۱/ ۷۸۶۶۵ میلیون دلار کمک در طول این سال‌ها به آن رژیم است که شامل ۵/ ۱۱۲۱۲ میلیون دلار وام و ۹/ ۲۳۱۲۲ میلیون دلار کمک بلا عوض در زمینه‌ی کمک‌های اقتصادی به آن کشور است.^۱

در اشاره به کمک‌های دیاسپورا نیز ضروری است ذکر گردد که این کمک‌ها ابعاد مختلفی داشته و اهداف چند منظوره‌ای را تأمین می‌نمایند. از سویی این کمک‌ها به اقتصاد رژیم صهیونیستی کمک می‌نماید و از سوی دیگر بین یهودیان اقصی نقاط دنیا و رژیم صهیونیستی یک رابطه‌ی معنوی ایجاد می‌کند. که به مرور تبدیل به نوعی وابستگی و حساسیت به سرنوشت این رژیم است. یکی دیگر از ابعاد این کمک‌ها، حمایت‌های مالی است که از ناحیه عناصر قدرتمند و متمول یهودی که ثروت‌های فراملی دارند به رژیم صهیونیستی می‌شود. از جمله این افراد می‌توان به خانواده‌ی **روچیلد** اشاره داشت. در خصوص معرفی این خانواده دایره‌ی‌المعارف یهود ذکر می‌نماید:

روچیلد از خانواده‌های سرمایه دار و بشر دوست و از حامیان امور هنری و علمی که در قضایای یهودی مخصوصاً ایجاد سرزمین اسرائیل و تشکیل دولت آن سهم عظیمی داشتند. با گذشت سال‌ها نام آنان ضرب المثل ثروت و سخاوت شد که هم با دید مثبت و همچون مظهر ثروت نفوذ و بشر دوستی در میان توده‌های یهودی مخصوصاً اروپایی شرقی و هم با نظر منفی به مثابه مظهری منحوس در نوشته و تبلیغات ضد سامی که به عنوان نشانه ملموس وجود یک حکومت بین‌المللی ثروتمند به کار می‌رفت، تلقی می‌شد.^۲

در زمینه‌ی کمک‌های این خانواده به اسرائیل باید عنوان داشت، این کمک‌ها از بدو پیدایش اسرائیل با کمک **ادموند روچیلد** به تأسیس اسرائیل و کمک‌های مالی وی در جهت خرید زمینهای اعراب و ایجاد اردوگاه مهاجرین یهودی در فلسطین آغاز گردید. و با کمک‌های **جیمز روچیلد اول** به اسرائیل ادامه یافته است. ادموند روچیلد به پاس سهم تعیین کننده‌اش در

۱. عبدالله و زیبایی، برآورد استراتژیک اسرائیل، جلد اول، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی ابرار معاصر، تهران: ۱۳۸۱، صص ۵۵۳، ۵۵۴.

۲. روچیلدها، ترجمه‌ی رضا سند گل و منیژه اسلامبول چی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۹، ص ۷۵.

تأسیس دولت اسرائیل توسط **حییم وایزمن** پیشوای سیاسی صهیونیست و از سوی صهیونیست‌ها **پدر پیشرو** لقب گرفت.

دایره المعارف یهود معرفی مشروح خود را درباره‌ی ادموند روچیلد آغاز می‌کند: (انسان‌دوست مدافع استقرار یهود در ارض اسرائیل و کلکسیونر آثار هنری). ادموند روچیلد بنیانگذار نخستین حرکت‌های عملی صهیونیستی شناخته می‌شود زیرا با سرمایه‌ی او بود که به سال ۱۸۸۳ نخستین اردوگاه‌های یهودیان مهاجر در سرزمین فلسطین ایجاد شد. نقش اساسی شاخه‌ی فرانسوی امپراتوری روچیلدها در صهیونیست جهانی با **مرگ بارون ادمون روچیلد** پایان نمی‌یابد. پس از او نوه‌های جیمز روچیلد اول در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، حامیان درجه اول دولت اسرائیل و از رهبران تراز اول صهیونیست جهانی محسوب می‌شوند.^۱

چشم اندازهای رسانه‌ای

در بیان چشم اندازهای رسانه‌ای جنگ پست مدرن رژیم صهیونیستی، در ابتدا باید ذکر نمود که جنگ پست مدرن در فضای مجازی در ابعاد مختلفی در جریان است که از آن جمله رویارویی در عرضه‌ی واژه‌ها و اصطلاحات است. این نبرد در دوسوی جبهه‌ی صهیونیستی و اسلامی دارای خواص خود است. ایجاد واژه‌های جدید و یا منتسب نمودن یک واژه به طرف مقابل و مستند سازی آن و یا حتی ایجاد و زمینه سازی جهت تطبیق برخی از مفاهیم به حریف، از آن جمله هستند. این موضوع سبب گردیده تا هر یک از جبهه‌ی اسلامی و صهیونیستی بعضاً دارای دو فرهنگ متفاوت اصطلاحات باشند. برای نمونه واژه‌ای چون قدس در طرف صهیونیستی «یروشالم» ذکر شود «مبارزات جهادی» در طرف آنان به عنوان تروریسم و از عملیات استشهادی تحت عنوان عملیات انتحاری یاد شود. همچنین به وجود آمدن اصطلاحات جدیدتری نظیر اصطلاح عرب اسرائیلی که به اعراب سال ۱۹۴۸ که در اسرائیل اقامت دارند اطلاق می‌گردد از آن جمله هستند. از دیگر واژگانی که در این حوزه قرار دارند می‌توان از تروریسم دولتی که در طرف اسرائیلی تحت عنوان تدابیر امنیتی به کار می‌رود و یا از انتفاضه به درگیری مسلحانه و... نام برد. واژه‌ها و اصطلاحات تبلیغاتی سیاسی و نظامی و اجتماعی در چارچوب مبارزه‌ی اسلامی با صهیونیسم پاسخگوی تحولات و تفسیرهای این مبارزه در واقعیت است. قاموس این اصطلاحات متنوع نه تنها از افزایش و

اضافه و حذف و تغییر و تبدیل چارچوب تحولات و تغییرات اوضاع در امان نیست بلکه چند بار طی دوره‌ی مبارزه از سال ۱۹۴۸ تاکنون تحولاتی را در خود دیده که می‌توان این مراحل را مراحل تحول در مبارزات اسلامی - صهیونیستی هم نامید. در این راستا دو واژه‌نامه شکل یافت واژه‌نامه‌ای فلسطینی و در طرف مقابل واژه‌نامه‌ای صهیونیستی که در مقدم‌ترین سنگرها رو در روی همدیگر صف آرایی نموده‌اند.^۱ این تحولات مفهومی بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) در امریکا از شدت بیشتری برخوردار گشت و دگرگونی‌های بنیادینی در عرضه‌ی واژه‌ها اتفاق افتاد که از مهم‌ترین ابهامات این دوران می‌توان از تداخل واژه‌ی تروریسم و نبردهای رهایی‌بخش نام برد.

البته اگر در پی ریشه‌یابی این نبرد برآئیم به این نکته برخورد خواهیم نمود که جنگ پست مدرن کنونی در حوزه‌ی وسیع‌تری از نبرد مفهومی قرار دارد و ریشه‌ی آن در شکل‌گیری صهیونیست ادبی است. برخی آن را مقدم بر شکل‌گیری صهیونیسم سیاسی می‌دانند. جنبش صهیونیستی در مبارزات خود سلاح ادبیات را چنان به کار گرفته است که جز سلاح سیاست هیچ سلاحی نمی‌تواند با آن برابری کند. ادبیات صهیونیسم بخشی ناگسستنی بود که صهیونیسم سیاسی نه فقط در ستیزهای تبلیغاتی بلکه در ستیزهای سیاسی و نظامی نیز از آن استفاده برد. اگر ادعا کنیم که صهیونیسم ادبی پیشینه‌ی دورتری از صهیونیسم سیاسی دارد سخنی گزاف نگفته‌ایم. صهیونیسم ادبی، صهیونیسم سیاسی را در دامن خود پرورش داد و سپس به خدمت آن در آمد و در آن دستگاه گسترده که هدف واحدی دارد به ایفای نقش پرداخت. اگر صهیونیسم سیاسی دستاورد تعصب و نژاد پرستی است، صهیونیسم ادبی نخستین تمایلات این تعصب و نژاد پرستی به شمار می‌آید. جرقه‌ی این‌دو بر اثر فشار رشد نژاد پرستی در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ به عنوان دستور کار گروهی از یهودیان افراطی در آمد و چندی نگذشت که در یک جنبش سیاسی صهیونیستی متبلور شد.^۲

به هر ترتیب در پی بروز صهیونیسم ادبی گذارها و واژه‌های خاصی بروز نمودند که در عرصه‌ی نبرد پست مدرن حاوی نکات و مفاهیم عمیقی بودند و دلالت بر شکل خاصی از سیاست و ایدئولوژی داشتند. اما این عبارتهای جدید نیازمند محملی بودند تا آنها را اشاعه و

۱. نبرد واژه‌ها در سنگر مبارزه عربی - صهیونیستی، نشریه‌ی نداء القدس، سال سوم، شماره‌ی ۶۵، اول مرداد ۱۳۸۱، ص ۲۸.

۲. غسان کنفانی، نگاهی به ادبیات صهیونیسم، ترجمه‌ی موسی بیجد، انتشارات برگ، تهران: ۱۳۶۵، ص ۱۳.

گسترش دهند و این اقدام توسط رسانه‌ها صورت گرفت. که همزمان رسانه‌های صهیونیستی و رسانه‌های متعلق به فلسطینیان را شامل می‌شد. «نهمان شای» رئیس رادیو و تلویزیون صهیونیست‌ها در زمینه‌ی جنگ پست مدرنی که بین طرفین جریان دارد بیان می‌دارد که رسانه‌ها در نبرد بین ما و فلسطینی‌ها جبهه‌ای ضروری می‌باشد.^۱ در خصوص نبرد رسانه‌ای نتایج تحقیقات خانم دکتر لورا کینگ عیرانی پژوهشگر کانادایی که در همایش گفتمان در بیروت مطرح گردیده دلالت بر آن دارد که حامیان رژیم صهیونیستی تحت عنوان مسیحیان امریکایی صهیونیست‌گرا، با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی آن کشور، بدون کمترین اشاره به جنایت‌هایی که در مناطق فلسطینی روی می‌دهد، اسرائیل را کشور کوچک اما شجاع معرفی می‌کنند. که در برابر همسایگان شرور عرب خود توانسته در سرزمین مقدس پا بر جا باقی بماند. امروز بیشترین نویسندگان مطبوعات امریکایی واژه‌ی تروریست را مترادف با عرب‌ها و مسلمانان به کار می‌گیرد که این پدیده تا پیش از رویدادهای ۱۱ سپتامبر نمود نداشت.^۲

در طرف مقابل نیز رسانه‌های متعلق به فلسطینیان قرار دارد که در انعکاس اخبار اقدامات رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، فعال بوده ولی در این نبرد پست مدرن به دلیل جایگاه ویژه از گزند محفوظ نبوده‌اند.

روزنامه‌ی گاردین فعالیت مرکز مستقل رسانه‌ای در فلسطین موسوم به ای.ام.سی در انعکاس اخبار جنایات صهیونیست‌ها را چشمگیر توصیف کرد. به نوشته گاردین «ای.ام.سی» موفق شد از طریق شبکه‌ی اینترنت بیشترین اخبار از مناطق دوباره اشغال شده را در اختیار جهانیان قرار دهد. گاردین افزود، فعالیت‌های مرکز مستقل رسانه‌ای با چنان توفیقی همراه بود که تنها اندکی پس از شروع حملات ارتش رژیم صهیونیستی و ممنوع شدن حضور خبرنگاران در مناطق اشغالی این مرکز به یک دفتر خبر رسانی بین‌المللی مبدل شد. این نشریه نوشت پایگاه اینترنتی مرکز رسانه‌ای در اوج خبر رسانی مورد حمله‌ی راهزنان رایانه‌ای اسرائیل قرار گرفت و موقتاً از کار افتاد و نیز تلفن‌های زیادی را اسرائیل، امریکا و انگلیس حاوی اطلاعات و اخبار نادرست به مرکز صورت می‌گرفت تا به این ترتیب در کار آن خلل ایجاد کنند.^۳

با روشن شدن جایگاه رسانه‌ها در جنگ پست مدرن رژیم صهیونیستی، ضرورت دارد تا به

۱. خبرگزاری، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۰

۲. همان، ۲۲ آذر ۱۳۸۱

۳. همان، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۰

چشم‌اندازهایی که این رسانه‌ها تعقیب می‌نمایند اشاره شود، رسانه‌ها در عرصه‌ی این نبرد اهداف متعددی را تعقیب می‌نمایند ولی دو هدفی که به نظر می‌رسد نسبت به سایر اهداف اصلی‌تر می‌باشند عبارتند از: «انجام عملیات روانی و تحقق تهاجم فرهنگی». در خصوص تعریف و هدف عملیات روانی اشاره می‌گردد که هدف و مأموریت اساسی و اصلی جنگ روانی این است که خواست ما را به دشمن تحمیل کند. به طوری‌که بدون اعمال روش‌های نظامی و اقتصادی به دشمن، اعمال او را کنترل نماییم.^۱ کنترل نمودن رفتار دشمن در حین نبرد از اهم اقداماتی است که می‌تواند به فرمانده میدان نوید پیروزی دهد ایجاد تزلزل در روحیه‌ی دشمن، ایجاد تردید نسبت به پیروزی، تشدید اختلافات درونی و... این اقدامات از جمله اهداف شیوه‌ی جنگی روانی اسرائیلی بود که در طی جنگ‌های اعراب و اسرائیل به کار می‌بست. که غالباً بر اصول زیر متکی بود:

الف: ایجاد تردید در پیروزی قطعی اعراب بر اسرائیل

ب: تظاهر به شکست ناپذیر بودن ارتش اسرائیل

ج: ایجاد شک در افراد ارتش نسبت به فرماندهان و در مردم نسبت به رهبران سیاسی و نظامی آنان^۲ اما با متحول و فراگیر شدن نقش رسانه‌ها در اوضاع کنونی و در پی تحولات موسوم به جهانی شدن و پر رنگ شدن نقش NGOها و یا سازمان‌های غیر دولتی، رژیم صهیونیستی سعی نمود تا تأثیرگذاری بر اذهان عمومی را از طریق این گونه نهادها نیز صورت دهد. برای مثال همان‌گونه که اشاره شد از ابزار تبلیغاتی که در اختیار ایپک (لابی یهودیان در امریکا) است بهره برداری نمود و یا سازمان‌های دوستدار صهیونیست‌ها را در سایر کشورها از طریق پشتیبانی‌های مادی و معنوی، نظیر استفاده از متخصصان در تبلیغات و بهره‌گیری از فن‌آوری پیشرفته قدرتمندتر سازد. رژیم صهیونیستی برای تأثیرگذاری در اذهان عمومی نیازمند تلاش‌های بی‌وقفه‌ی سازمان‌های غیر دولتی است. بنابراین چنین اهدافی تنها به با کارگیری محافل سیاسی و دیپلماسی و رسمی میسر نبوده بلکه نیازمند سازمان‌های رسانه‌ای و متخصصان در تبلیغات گسترده با فن‌آوری مدرن است. در نتیجه جنگ و جدال در

۱. پژوهش گروهی، a Psychological Warfare Case Book، ترجمه‌ی ستاد جنگ دانشگاه تربیت مدرس، دفتر

مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات واحد جنگ روانی، قرارگاه خاتم‌الانبیا، تهران: ۹، ص ۱۳.

۲. استراتژی اسرائیل، غازی اسماعیل ربابعه، ترجمه‌ی محمدرضا فاطمی، نشر سفیر، تهران: ۱۳۶۸، ص ۱۴۶.

این عرصه نیازمند تکنولوژی الکترونیک و دیجیتال است.^۱ در یک عملیات روانی برنامه‌ریزی شده که از همه‌ی امکانات بهره‌بردارى مناسب صورت می‌گیرد رژیم صهیونیستی هم عملیات تهاجمی دارد و هم عملیات تدافعی. در همین جهت است که آن رژیم به نقشی که رسانه‌های خارجی بر خلاف سیاست‌های تبلیغاتی اسرائیل ایفا می‌کنند معترض شده و دست به محدود سازی‌های این رسانه‌ها می‌زند و در مقاطع مختلف نیروهای امنیتی این رژیم تعداد زیادی از تجهیزات خبر نگاری و کامپیوترهای شخصی خبرنگاران به ویژه خبر گزارى‌های معتبر و معروف جهان همچون: فرانس پرس، رویتر و... را توقیف کرده و آنها را به صاحبانشان بازگردانده یا به شکل ناقص بازگردانده است. برخی خبرنگاران در این خصوص اظهار داشتند که نیروهای امنیتی این رژیم آنان را بازداشت خواهد کرد.^۲ هنگامی که رژیم صهیونیستی زمره‌های مخالفت‌های تبلیغاتی علیه سیاست‌های خود را از بین برد آنگاه می‌تواند آنچه که مورد نظرش است به مخاطب عرضه نماید. هرچند که آن رژیم در برنامه‌ریزی‌های خود غالباً به این نکته توجه می‌نماید که قبل از هر عملیات، سیاست‌های رسانه‌ای منطبق با آن را فراهم سازد. همان‌گونه که پیش از انجام عملیات نظامی باید اطلاعاتی درباره‌ی آمادگی نظامی دشمن جمع‌آوری شود. به همین نسبت نیز باید درباره‌ی پیش‌بینی استراتژی رسانه‌ای آن نیز تلاش شود.^۳ اما این امری بدیهی است که مخالفان آن رژیم نیز در نبرد پست مدرن ساکت نمی‌نشینند و از حداکثر توانایی که در پی تحولات در فن‌آوری‌های رسانه‌ای رخ داده به نفع اهداف خود بهره‌بردارى می‌نمایند. و بعضاً رژیم صهیونیستی در این عرصه دچار شکستی فاحش می‌گردد چنان‌چه وزیر تبلیغات لبنان غازی عریضی بیان می‌دارد، نقش تبلیغات مقاوم در کنار مردم مقاوم (مقاومت ملی و اسلامی) و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی آنها نقش مهمی در تغییر موازنه‌ی سیاسی و نظامی در برابر دشمن داشت و تبلیغات مقاوم توانست با تضعیف هرچه بیشتر روحیه‌ی اسرائیلی‌ها، کارایی بسیاری در

۱. استراتژی رژیم صهیونیستی در روابط خارجی، گزارش کنفرانس منطقه‌ای و سیاست خارجی مؤسسه‌ی پژوهشی هرتسیکای اسرائیل، ماهنامه‌ی نداء القدس، سال چهارم، شماره ۷۱، اول مرداد ۱۳۸۲، ص ۲۱.
 ۲. نقض مکرر حقوق خبرنگاران در اراضی اشغالی، نشریه‌ی نداء القدس، سال چهارم، شماره ۷۳، اول مهرماه ۱۳۸۱، ص ۸.

۳. پژوهش گروهی، مقاله‌ی نبرد جنین مطالعه‌ی موردی درباره‌ی استراتژی رسانه‌ای اسرائیل مترجم ابوالقاسم راه چمنی. آوریل ۲۰۰۲ به نقل از کتاب گزیده پژوهش‌های جهان، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران: مهر ۱۳۸۲ صفحه ۲۲۷

شکست نظامی، امنیتی و سیاسی دشمن داشته باشد. تبلیغات مقاوم با تصویر برداری از صحنه‌ی عملیات نظامی و ارائه‌ی وقایع داخل جبهه، همه‌ی ادعاها و تلاش‌های اسرائیل برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت‌ها را نقش بر آب کرد.^۱ اما برای روشن نمودن برد مؤثر این گونه تبلیغات کافی است که به اظهار نظر یک دانشجوی «اسرائیلی» به نام «گابی فردمن» که در روزنامه‌ی **یدیעות احرنونوت** در خصوص تأثیر رادیو «النور» که متعلق به حزب‌الله لبنان بوده و در فلسطین اشغالی صدای آن قابل استماع است توجه شود وی می‌گوید: «شنیدن صدای رادیو النور ترسناک است زیرا با پخش برنامه‌های تحریک‌آمیز، اسرائیل را یک رژیم جنایتکار و صهیونیست می‌نامد.»^۲ و به لحاظ قدرت تأثیر فوق العاده‌ی رسانه‌ها در این نبرد است که در جریان انتفاضه، رژیم صهیونیستی در پی تهاجم به کرانه‌ی باختری رود اردن، مراکز و تأسیسات تلویزیونی و رادیویی دولت خودگردان را منهدم کرد و چند ماه بعد از آن پلیس و مأموران وزارت ارتباطات اسرائیل با یورش به مرکز فرستنده‌ی رادیویی ام‌الفحم، تجهیزات آن را مصادره و مدیر آن را بازداشت کردند.^۳ این اقدام پس از آن صورت گرفت که رژیم صهیونیستی چندی قبل در یورش به الخلیل دو شبکه‌ی تلویزیونی بخش خصوصی «النورس» و «المستقبل» را تعطیل و مسئولان آن را بازداشت کرده بودند و این امر نشان از درک عمیق آن رژیم از نقش رسانه‌ها دارد تا جایی که شارون در خصوص عمق تأثیر رسانه‌ها، در پی عملیات شهادت طلبانه‌ی «علی الجولانی» در تل‌آویو اعلام می‌نماید: «الجولانی به هیچ تشکیلات سیاسی فلسطینی وابسته نیست و این دلیلی بر تأثیر خطرناک و خرابکارانه‌ی وسائل اطلاع رسانی فلسطینی است.»^۴ و اگر بخواهیم به تأثیر رسانه‌ها در داخل سرزمین‌های اشغال شده نیز اشاره داشته باشیم کافی است از جلوگیری پخش برنامه‌ی «ارهاییات» که توسط شبکه‌ی ماهواره‌ی ابوظبی پخش می‌شود اشاره داشته باشیم که در آن «آریل شارون» به عنوان آدمکش خونخوار که خون فلسطینی‌ها را می‌مکد نشان داده می‌شد.^۵

بعد دیگر فعالیت‌های رسانه‌ها در جنگ پست مدرن که تحقیقاً مهم‌تر از انجام عملیات روانی

۱. خبرگزاری، ۸۰/۳/۲۸

۲. خبرگزاری، ۸۲/۵/۷

۳. خبرگزاری، ۸۱/۲/۱۵

۴. خبرگزاری، ۸۰/۵/۱۵

۵. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان رهبری)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۷۳، صفحه ۴.

است تهاجم فرهنگی می‌باشد که ابتدا با تعریفی از آن به چگونگی استفاده‌ی رژیم صهیونیستی از رسانه‌ها در این عرصه می‌پردازیم. تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود...، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند.^۱ صهیونیست‌ها در این عرصه به مواجهه با دشمنان خود توجه کافی و دقیق داشته و در این راستا از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند. برای نمونه در جهت سرنگون نمودن جمهوری اسلامی ایران بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی حمله‌ی فرهنگی به ایران از طریق ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای را به اعضای کمیته‌ی اصلاحات دولتی مجلس نمایندگان امریکا پیشنهاد می‌کند و بیان می‌دارد: ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای حاوی تصاویر زنان زیبا با بدنهای برهنه و نیمه برهنه و پرداختن به امور دنیوی از قبیل زندگی تجملی و البسه زیبا، و صحنه‌های جنسی و مشاهده امور کاملاً انحرافی باعث می‌شود کودکان ایرانی خواستار لباسهای زیبا، زندگی تجملی و استخر و امثال آن شوند و با این امر می‌توان در ایران انقلابی به راه انداخت.^۲

این‌گونه اقدامات در نهاد خود جنگی پست مدرن است که بر اندازی از نوع مخملی و یا فروپاشی از درون را تعقیب می‌نماید و همان‌گونه که خانم نادیا خوست نویسنده و ادیب سوری بیان می‌دارد خطرناک‌ترین جنگ‌ها، تهاجم فرهنگی است. زیرا اراده‌ی مردمی را از بین می‌برد و تلاش می‌کند ذهن را به جای سرزمین اشغال کند.^۳ البته این اقدام از سوی رژیم صهیونیستی فقط علیه ایران استفاده نگردیده است. چنان‌چه روزنامه‌ی لبنانی **الکفاح العربی** می‌نویسد: افراد یک شبکه‌ی اسرائیلی جاسوسی و ترویج فحشا در شهرک العین در بقاع شمال شرق لبنان شناسایی و دستگیر شدند. این شبکه که اعضای آن ده‌ها نفر هستند همچنین به منظور گسترش بیماری‌های واگیردار از جمله ایدز روسپیگری را رواج می‌دادند. و در همین جهت است که روشن می‌گردد رهبر انقلاب اسلامی ایران این مفهوم را به درستی درک کرده‌اند

۱. خبرگزاری، ۱۳۸۱/۶/۲۲.

۲. سید محمد علی ابطحی، مقاله‌ی بررسی ابعاد تهاجم فرهنگی صهیونیستی به جهان اسلام و عرب فصلنامه‌ی راهبرد شماره‌ی پنج، زمستان ۱۳۷۳، صفحه‌ی ۷۴، به نقل از مصاحبه نادیا خوست با روزنامه الحیات چاپ لندن،

۱۹۹۴/۶/۱۲

۳. خبرگزاری ۷۹/۱۲/۱۷

که تهاجم فرهنگی برای بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد، هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی‌اعتقاد کردن به آن تفکر فعالی که امروز استکبار و قلمرو قدرت‌های استکبار را به خطر و وحشت انداخته است.^۱

حد و مرز تهاجم فرهنگی برای اسرائیل و طرفداران آن تا جایی امتداد می‌یابد که غیر یهودیان به معتقدات اسرائیلی پیوند بخورند و این نکته‌ای است که در بیانیه‌ی سومین کنگره‌ی بین‌المللی مسیحیت صهیونیستی عنوان گردیده است. هنگامی که غیر یهودیان به خانواده معتقدات اسرائیلی پیوند خوردند دیگر تلاش برای تغییر الهیات و خداشناسی آنها ضرورتی ندارد. هر چند که الهیات آنها با اهداف مبتنی بر کتاب مقدس (درباره‌ی اسرائیل و یهودیان) مغایرت داشته باشد.^۲

اما اگر پیوند صورت نگرفت تلاش در جهت تغییر الهیات و خداشناسی آنان از سوی صهیونیست‌ها صورت خواهد گرفت و این امر تا جایی گسترش می‌یابد که نیروهای امنیتی اسرائیل اقدام به تأسیس شبکه‌های شیطان پرستی در عرصه‌ی نبرد نرم افزاری می‌نمایند. اعترافات اعضای گروه شیطان پرستان که چندی پیش از سوی نیروهای امنیتی مصر دستگیر شدند افکار عمومی مردم این کشور را به شدت تکان داد. بازجویی‌های دادستانی امنیت ملی مصر از دستگیر شدگان نشان داد که آنها در «طابا» با برخی از صهیونیست‌ها تماس می‌گرفته‌اند. و همچنین در بعضی از آپارتمان‌های محلات گوناگون قاهره با گروهی از دختران رژیم صهیونیستی تماس‌های جنسی دسته جمعی برقرار می‌کرده‌اند. چند تن از متهمان اعتراف کردند که موساد با پرورش این افکار آنها را میان جوانان مصر و دیگر کشورهای عربی رواج می‌دهد.^۳ البته این گونه اقدامات فقط منحصر به ایران و یا مصر نبوده و در سایر کشورهای عربی نظیر اردن نیز در جریان است و چنانچه رئیس بخش سمعی و بصری اداره‌ی مطبوعات و انتشارات اردن می‌گوید: «رواج نوارهای ویدئویی گروه شیطان پرستان و دیگر نوارهای مبتذل وارده از فلسطین اشغالی در میان جوانان اردنی خانواده را نگران کرده است.»

۱. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، پیشین، ص ۴.

۲. بخشی از بیانیه‌ی سومین کنگره‌ی بین‌المللی مسیحیت صهیونیستی، ترجمه‌ی واحد پژوهش و تحقیقات موعود، ماهنامه‌ی موعود، سال هفتم، شماره ۴۰، آذر و دی ۱۳۸۲، ص ۴۲.

۳. مقاله‌ی الموساد تینی افکار هم و اسرائیلیون التقوا بهم فی طابا، مترجم: ع. باقری از نشریه‌ی روزنامه الاتحاد، ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷، به نقل از ترجمان سیاسی، شماره‌ی ۶۶، صفحه‌ی ۲۹.

جوانان و خانواده‌های مرفه بیش از اقشار دیگر از این نوارها استقبال می‌کنند و در این راستا است که هفته نامه‌ی اردنی **الاتجاه** با انتشار مقاله‌ای نوشت ظهور پدیده‌ی بندگان شیطان، جنگ جدید موساد علیه کشورهای عربی است. این اقدام برای گسترش بی‌ایمانی و ایجاد شبهه نسبت به مقدسات اسلامی است.

البته اگر بخواهیم به تهاجم فرهنگی رژیم صهیونیستی در بعد اهداف کوتاه مدت آن نیز اشاره داشته باشیم لازم به ذکر است که اهداف تاکتیکی آن رژیم در تهاجم فرهنگی عبارت است از حساسیت‌زدایی از اسرائیل، ایجاد علایق مردمی و روابط فرهنگی در جهت عادی‌سازی سایر روابط با اسرائیل و تغییر فرهنگ مردمی در جهت زمینه‌سازی برای صلح با اسرائیل که در مرکزیت این تهاجم ارزش‌ها و فرهنگ‌های اسلامی و عربی قرار دارد.

ایران و اسرائیل در عرصه‌ی جنگ پست مدرن

در خصوص تقابل ایران و اسرائیل در عرصه‌ی جنگ پست مدرن وجوه مختلفی قابل تبیین و بررسی می‌باشد. برخی از آنها عبارتند: از تهدیداتی که اسرائیل از ناحیه‌ی ایران احساس می‌نماید نظیر تهدید اتمی ایران، حمایت ایران از گروه‌های جهادی، الگو شدن ایران به عنوان یک کشور اسلامی در مقابل کشورها و گروه‌های مهاجم و در مقابل اسرائیل و... همچنین تهدیداتی که اسرائیل برای ایران دارد از جمله ترغیب امریکا و سایر کشورهای قدرتمند در سرنگونی حکومت ایران چه از راه حمله‌ی نظامی و چه از طریق پیگیری فشار از درون، موضوع توسعه طلبی ارضی رژیم صهیونیستی که در کانون توجهات و امیال افراطیون قرار دارد، تهدیدات درحمله‌ی نظامی به مراکز هسته‌ای ایران، جلوگیری از دستیابی ایران به دانش و تکنولوژی‌های نوین و استراتژیک و...

با عنایت به این موضوع که درصدد هستیم تا به برخی از ابعاد مختلف جنگ پست مدرن صهیونیست‌ها علیه ایران نظری بیفکنیم ناگزیریم به برخی از فراز و نشیب‌های روابط دو کشور اشاره داشته باشیم. هرچند که در خصوص چگونگی آغاز روابط ایران و اسرائیل در قبل از انقلاب اسلامی به تازگی تحقیقات جدید و جدی صورت گرفته و کتب مختلفی در داخل و خارج از کشور چاپ گردیده است، اما به هر روی آغاز این روابط بستگی تام به دیپلماسی پنهان به کار گرفته شده از سوی اسرائیل دارد: اسرائیل به لطف جاسوسان موساد، بی‌آنکه

رسماً شناسایی شود، روابط تنگاتنگی با ترکیه و ایران - قبل از انقلاب اسلامی - و همچنین اندونزی برقرار می‌کند. روون مرهاو مدیر کل سابق وزارت امور خارجه‌ی اسرائیل و از اعضای سابق سرویس‌های مخفی اقرار می‌کند شروع دیپلماسی سایه به همان آغاز تشکیل حکومت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ باز می‌گردد. دیپلماسی پنهان، جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات، برنامه‌های دفاعی، همگی یک هدف را دنبال می‌کردند؛ شکستن انزوای کشورمان در مقابل اعراب و برقراری پیوند از هر طریق ممکن با حداکثر کشورها در جهان، در این راستا موساد با پرده پوشی و رازداری‌اش (که لازمه‌ی کار بود) کارهای فوق العاده‌ای انجام داد.^۱

برقراری روابط با ایران و سایر کشورهای فوق الذکر از سوی اسرائیل یکی از ابعاد استراتژی پیرامونی این کشور بوده که در صدد ایجاد روابط با کشورهای غیر عرب بود. تا بتواند در دریای کشورهای عرب که اسرائیل را احاطه کرده بودند، هم پیمانی بیابد^۲ و استفاده از دیپلماسی پنهان با این هدف که می‌تواند دشمن بالقوه را بی‌طرف نگه دارد یا متحدین را از دشمن جدا کند^۳ از سوی اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در خصوص شکل ظاهری برقراری روابط بین دو کشور موضوع به دوران نخست وزیری ساعد بر دولت ایران بر می‌گردد. در آن مقطع زمانی دولت ساعد در هنگام فترت پارلمانی در اسفند ۱۳۲۸ اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت و در بیت المقدس سرکنسولگری دایر کرد. ولی پانزدهم ماه بعد در اوایل حکومت دکتر مصدق اعتراضاتی از جانب نمایندگان مجلس به این امر صورت گرفت. در جلسه‌ی ۱۹ تیر ۱۳۳۰ باقر کاظمی وزیر امور خارجه در پاسخ به سؤال حاج آقا رضا رفیع در مورد شناسایی اسرائیل اظهار داشت: دولت ایران تصمیم خودش را اجرا کرد و ژنرال کنسولگری را که در بیت المقدس دایر کرده بود منحل کرد.^۴ اما این انحلال چندان به درازا نکشید و برای دومین بار به صورت

۱. موساد، نشریه‌ی لوپوئن، شماره‌ی ۱۳۵۱، ۸ اوت ۱۹۹۸، به نقل از ترجمان سیاسی، سال سوم، شماره‌ی ۱۴۳، بخش سیاسی، ص ۲۷.

۲. جهت مطالعه‌ی بیشتر ر. ک: استراتژی پیرامونی اسرائیل، محمدتقی تقی‌پور، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.

۳. هارولد لاسول، جنگ سیاسی و روانی، a Psychological Warfare case book، همان، ص ۱۳.

۴. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷ - ۱۳۰۰، نشر پیکان، تهران: ۱۳۷۷، صص ۱۵۴، ۱۵۶.

جدی‌تر و همه جانبه‌تر همکاری رژیم شاه با اسرائیل یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز شد.^۱ این روابط که دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، جاسوسی و... بود در سال ۱۳۵۷ متعاقب تحقق انقلاب اسلامی در ایران خاتمه یافت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ویژگی‌های خاص خود را داشت که یکی از این ویژگی‌ها گذشتن از خطوط قرمزی بود که برایش ترسیم شده بود، مهم‌ترین آن جدا شدن از هم پیمانی با رژیم صهیونیستی و قطع کردن دسترسی امریکا و اسرائیل از ایران بود. همان‌گونه نوام چامسکی زبان شناس امریکایی بیان می‌دارد: ایران در سال ۱۹۷۹ از خط قرمزها گذشت، سرپیچی کرد و مستقل شد و از اینجا بود که می‌بایست تنبیه شود و این امر علاوه بر ایجاد خسارت و زیان به منافع امریکا، به اسرائیل نیز صدمات جبران ناپذیری را وارد ساخت. چنانچه کشوری هم پیمان و متحد منطقه‌ای را که از ناحیه‌ی فروش نفت، خرید سلاح و... سود سرشاری نصیب اسرائیل می‌نمود، تبدیل به کشوری الگو و حامی دشمنان اسرائیل شد.

اسرائیل خیلی سریع دریافت که بایستی با انقلاب ایران مقابله‌ی جدی نماید و این امر را در همراهی با سلطنت طلبان و سایر گروه‌های برانداز و کودتاچیان بروز داد. ایران نیز مخالفت خود با موجودیت اسرائیل را در کمک‌های مادی و معنوی که به دشمنان اسرائیل می‌نمود، نشان داد. در همین رابطه شارون می‌گوید: ایران دشمن دیرینه‌ی ما در حال ساخت یک پایگاه موشکی در لبنان است که از طریق آن می‌تواند حملات علیه دولت اسرائیل را افزایش دهد.^۲ دشمنی اسرائیل با ایران از ابعاد مختلف قابل رصد کردن است. اسرائیل یک هم پیمان را که در ناحیه‌ی حساس ژئوپولیتیکی خلیج فارس حضور داشت، از دست داده و به استراتژی پیرامونی او خلل وارد شده بود. در اثر انقلاب، کشوری پدید آمده بود که در زمینه‌ی مواضع سیاسی در نقطه‌ی مقابل اسرائیل قرار داشت و هیچ‌گونه مشروعیتی را برای این رژیم قائل نبود و این کشور امکان برانگیختن انگیزه‌های مذهبی را علاوه بر انگیزه‌های عربی موجود در میان کشورها و اعراب داشت. همچنین اسرائیل منفعی همچون خرید ارزان قیمت نفت، بازار فروش کالا و سلاح‌های متنوع و... را از دست داده بود و باید به حضور مستشاران خود که در بخش‌های اقتصادی و... ایران حضور داشتند پایان می‌داد و علاوه بر آن ایران که بسان

۱. همان، صص ۲۵۸، ۲۸۳.

۲. خبرگزاری، دهم تیرماه ۱۳۸۱.

۳. همان، پنجم اردیبهشت ۱۳۸۰.

پایگاهی مطمئن، امکان فعالیت پنهان اسرائیل را علیه کشورهای عربی مهیا می‌نمود در اثر انقلاب از دست رفت.^۱

همچنین بخشی از این دشمنی به واسطه‌ی تهدیداتی بود که ایران علیه اسرائیل فراهم آورده بود. در این باره یکی از ژنرال‌های اسرائیلی می‌گوید: ایران از ما دل خوشی ندارد. تروریست‌های حزب الله را علیه ما تحریک می‌کند. در رأس مخالفین مذاکرات صلح است. به حماس کمک مالی می‌کند و در چهارگوشه‌ی جهان دست به عملیات تروریستی علیه منافع ما می‌زند و...^۲

بدین ترتیب اسرائیل و ایران در عرصه‌ی نبردی قرار گرفتند که هرچند به صورت سنتی امکان مشاهده‌ی آن در مرزهای جغرافیایی متداول وجود نداشت، اما می‌توان از آن تحت نام جنگ پست مدرن یاد نمود. این جنگ در سطوح مختلفی بروز نموده که از جمله می‌توان به ایجاد اختلال در توسعه‌ی دسترسی ایران به تکنولوژی نوین و رشد سریع اقتصادی با دست یافتن به تکنولوژی اتمی یاد نمود. اسرائیل با بهره برداری از یک عملیات روانی گسترده که به صورت برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته در ابعاد مختلف اجرا شد، سعی نمود تا وانمود سازد ایران در پی دست یافتن به سلاح اتمی است و این امر را با یاری جستن از سوی رسانه‌های در اختیار صهیونیسم بین‌الملل به خوبی به اجرا گذارد و با بیان مطالبی نظیر: ایران سلاح‌های هسته‌ای خود را گسترش خواهد داد و به مرکز جهانی تروریسم تبدیل خواهد شد.^۳ سعی نمود در یک نبرد مجازی در عرصه‌ی جنگ واژه‌ها، ایران را مرکز تروریسم جهانی نشان دهد. البته این امر در پی مجموعه اقداماتی صورت گرفت که با محوریت رسانه‌ها صورت پذیرفت. چنانچه در ابتدا چهره‌ی سیاهی از تروریسم به نمایش گذارده شد و سپس خطر مستولی شدن تروریسم بر جهان مرتباً بیان و به تصویر کشیده شد و متعاقباً مسلمانان به عنوان چهره‌هایی واپس‌گرا و خشن معرفی و مبارزات رهایی بخش آنها به عنوان تروریسم معرفی گردید و حمایت ایران از نهضت‌های آزادی بخش نیز به عنوان حمایت از تروریسم منعکس شد. بدین شکل با دستیابی ایران به دانش هسته‌ای مقابله شد و از آن بسان تهدیدی

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر ر. ک: ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، عبدالرحمن احمدی، انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران: ۱۳۸۱.

۲. افرایم سنیه، اسرائیل پس از سال ۲۰۰۰، ترجمه‌ی عبدالکریم جادری، انتشارات دوره‌ی عالی جنگ دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران: بی‌تا، ص ۱۰۴.

۳. اظهارات شیمون پرز در سفر به امریکا به نقل از خبرگزاری، هفده اردیبهشت ۱۳۸۰.

نظامی که هر چه سریع‌تر باید با آن مقابله‌ی سیاسی و در صورت عدم اعتنای ایران مقابله‌ی نظامی شود یاد شد. ایران در حال توسعه‌ی توانایی هسته‌ای خود می‌باشد و متخصصان اظهار می‌دارند که تأسیسات هسته‌ای ایران در مناطق مختلف کشور پراکنده شده است و با استفاده از حملات هوایی نمی‌توان آنها را به طور مؤثر از بین برد. بنابراین، حملات بازدارنده، بسیار دشوار خواهد بود. زیرا دشمنان اصلی اسرائیل به خوبی از حمله‌ی این کشور به نیروگاه هسته‌ای عراق درس گرفته‌اند. اکثر جنگ افزارها و برنامه‌های هسته‌ای که برای اسرائیل نگران کننده است را در مناطق مختلف و به صورت پنهانی مستقر کرده‌اند.^۱

دیدگاه اسرائیل مبتنی بر ضرورت مقابله‌ی همه جانبه با ایران ناشی از احساس خطر بسیار شدیدی می‌باشد که این کشور از ایران دارد این احساس خطر علاوه بر جنبه‌های نظامی و سیاسی دارای ابعاد دیگری نیز هست که از آن جمله می‌توان از تهدید ایدئولوژیک نام برد. این تهدید برای اسرائیل از آنجا ناشی می‌شود که وجود اسلام انقلابی در ایران می‌تواند در بسیج توده‌های جهان اسلام علیه اسرائیل بسیار مؤثر باشد و ملت‌ها را به حرکت در آورد. این موضوعی است که اسرائیل تهدید آن را درک کرده و در غالب گفتمان جنگ پست مدرن از ایران به عنوان کانون تروریسم منطقه‌ای و بین المللی یاد می‌کند. این همان نکته‌ای است که آریل شارون نخست وزیر اسرائیل در دیدار با سفیران و دیپلمات‌های خارجی در اسرائیل آن را بیان می‌کند، که ایران بزرگ‌ترین خطر و تهدید برای اسرائیل است و آن کشور می‌کوشد به سلاح‌های کشتار جمعی دست یابد. ایران به کانون تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.^۲ اسرائیل راه کارهای متعددی را در مبارزه علیه ایران به پیش می‌برد که می‌توان آن را در دو بعد راه کار نظری و عملی خلاصه نمود.

بعد نظری مبارزه‌ی رهبران اسرائیل علیه ایران... به تدوین نوعی خط تبلیغاتی - فکری برای القای خطر بزرگ ایران برای نظم و اقتصاد منطقه و جهان از سوی اسرائیل اشاره دارد)...

بعد عملی مبارزه‌ی رهبران اسرائیل علیه ایران... همانا (پیشگیری از) دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌باشد.^۳

۱. سید جمال حسینی، تهدیدها و مشکلات ارتش اسرائیل، مجله‌ی نگاه، سال اول، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۹، ص ۲۰.

۲. خبرگزاری، بیست و دوم مهرماه ۱۳۸۲.

۳. مسعود آریایی، بررسی نظام فکری - تبلیغاتی رهبران اسرائیل نسبت به ایران، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه،

البته این گونه به نظر می‌رسد که بعد عملی صرفاً در جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی اتمی منحصر نگردیده است و مسائل دیگری نیز وجود دارند که اسرائیل، تهدیدات آنها را متوجه خود می‌داند. از جمله موضوع مطالعات آزمایشات و توسعه‌ی موشک‌های میان‌برد و دوربرد است که اسرائیل با انجام اقدامات نرم افزاری متعدد سعی در جلوگیری از دستیابی به آن را داشت و این اقدامات خود را با واسطه و بی‌واسطه صورت داد. از جمله با فشاری که ایپک و مسیحیان صهیونیسم بر دولت ایالات متحده‌ی آمریکا وارد آوردند که آن کشور را وادار نماید تا فشار خود را بر کشورهای نظیر کره‌ی شمالی و چین که گمان می‌رفت تکنولوژی موشکی را در اختیار ایران قرار می‌دهند وارد آورد. اما به هر ترتیب ایران توانست علی‌رغم کلیه‌ی فشارها به تکنولوژی موشکی دست یابد و لذا اسرائیل سعی نمود تا ناکامی خود را با سرمایه‌گذاری در جهت مقابله با آن جبران نماید. موشک شهاب ۳ ایران نگرانی‌هایی را برای اسرائیل به وجود آورده است... باری روبین کارشناس امور خاورمیانه در دانشگاه برابرایلان، می‌گوید: اسرائیل مقدار هنگفتی از بودجه‌ی خود را صرف برنامه‌هایی برای مقابله با خطر این موشک‌ها نموده است.^۱

اسرائیل تهدید ایران را هم از نوع نرم افزاری و هم سخت افزاری برآورد نموده است و بهترین و کارآمدترین روش برای مهار این تهدید را سرنگونی ایران می‌بیند که آن را در بعد سخت افزاری به واسطه‌ی تهاجم نظامی مشترک با آمریکا و در بعد نرم افزاری از نوع براندازی مخملی پیگیری می‌نماید. در این زمینه اظهارات دکتر افرایم سنیه به هنگام اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل در خصوص چگونگی جلوگیری از تهدید ایران جالب توجه است. وی می‌گوید: در صورت سرنگونی رژیم ایران و سرکار آمدن یک حکومت منطقی، میانه‌رو و غیر مذهبی در آن، شیعیان لبنان از جنگ با اسرائیل دست کشیده خطر تبدیل لبنان به کشوری بنیادرا و تندرو از بین خواهد رفت.^۲

با عنایت به مطالب بیان شده مشخص می‌گردد که استراتژی اتخاذ شده توسط اسرائیل در مقابله با ایران به کارگیری روش‌های مختلف جهت براندازی می‌باشد. در خصوص تاکتیک‌ها و

انتشارات مرکزی پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال نهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۸۱،

صص ۱۲۰ تا ۱۲۵.

۱. حمید فرهادی نیا و جمال حسینی، همان، ص ۱۸.

۲. افرایم سنیه، همان، ص ۴۴.

اهدافی که اسرائیل به صورت مقطعی در خصوص ایران دنبال می‌نماید، می‌توان نکات ذیل را به عنوان اهم این موارد بیان نمود. مواردی چون: تأسیسات هسته‌ای ایران، موشک‌های دوربرد ایران نظیر موشک شهاب ۳، شناسایی ابعاد حمایت ایران از گروه‌های جهادی، سعی در قطع حمایت معنوی ایران از مبارزات مردم فلسطین و متمایل کردن ایران به پذیرش صلح اعراب و اسرائیل، ایجاد شناخت عمیق از اسرائیل، ایجاد شناخت عمیق از اسلام و خصوصاً تفکر شیعی و بخش‌های برجسته‌ی آن که توانایی بسیج و به میدان آوردن مسلمین را دارد. کنفرانس دهه‌ی هشتاد تل آویو و حضور جمعی از شیعه‌شناسان در آن کنفرانس، روح حرکت‌های اصلاح‌طلبانه‌ی مسلمین را برای غرب و یهودیت صهیونیستی آشکار ساخت. در آن نشست اعلام شد که نهضت سرخ عاشورا و باور سبز مهدی (عج) دو عامل مهم و تعیین‌کننده در حرکت‌های اصلاح‌طلبانه‌ی شیعیان است.^۱

اسرائیل جهت پیگیری اهداف مورد نظر خود در خصوص ایران اقدامات متعددی را صورت داده است که این اقدامات در غالب جنگ پست مدرن قابل تبیین و اشاره است. این اقدامات ابعاد و سطوح مختلفی را شامل می‌گردند که برخی از آنها عبارتند از: به کارگیری ابزار و تجهیزات نظامی و جاسوسی با فن‌آوری پیشرفته علیه ایران. برای نمونه به کارگیری ماهواره‌ی افق ۵ در جهت جاسوسی از ایران، توسعه‌ی همکاری‌های امنیتی با دیگر کشورها در راستای کشف فعالیت‌های ایران در حمایت از گروه‌های جهادی نظیر همکاری با امریکا، ترکیه، هند و...، همکاری با سایر کشورها در راستای محدودسازی و ایجاد تنگنا برای ایران، در همین رابطه شیمون پرز که جهت تعمق بخشیدن به روابط بین اسرائیل و هند در دهلی نو حضور داشته بیان می‌دارد: باید پیمانی بین هند و اسرائیل علیه تروریسم ایجاد شود. زیرا وقت آن رسیده تا ایران احساس نا امنی کند زیرا در تروریسم دست داشته و پول و سلاح به حزب الله لبنان و دیگر سازمان‌های تروریستی می‌دهد. پرز همچنین تأکید نمود: اسرائیل و هند در زمینه‌ی امنیتی و اطلاعات با هم همکاری می‌کنند. زیرا یک دشمن مشترک دارند و آن تروریسم است.^۲

به زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی ایران با انجام فعالیت‌های گسترده‌ی تبلیغاتی و

۱. ماهنامه‌ی موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، ص ۳۰.

۲. افغانستان، جاده‌ی رژیم صهیونیستی جهت ضربه زدن به ایران و پاکستان، نشریه‌ی نداء القدس، سال سوم،

شماره ۶۳، اول فروردین ۱۳۸۱، ص ۴.

رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی به ایران از طرق مختلف با هدف سرنگون کردن رژیم ایران برای مثال ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای برای اعمال فشارهای سیاسی بین‌المللی و به کارگیری تحریم‌های اقتصادی با هدف ایجاد زمینه برای تغییر حکومت ایران. به کارگیری توان سیاسی حامیان اسرائیل در امریکا، نظیر لابی قدرتمند یهودیان در امریکا و یا مسیحیان صهیونیست مستقر در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امریکا و استفاده از این مجموعه‌ها در متقاعد کردن دولت امریکا در تحریم‌ها، افزایش فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران، زمینه‌سازی در جهت حمله‌ی نظامی امریکا به ایران و... در این رابطه دانی یاتوم رئیس سابق سازمان جاسوسی اسرائیل موساد بیان می‌دارد: اسرائیل هم اکنون طرح انزوای بین‌المللی ایران را در دست اجرا دارد و در صورت ناکامی سیاست تحریم اقتصادی و انزوای جهانی رسماً به ایران حمله‌ی نظامی خواهد کرد... حمله‌ی مستقل اسرائیل به ایران در صورتی محقق می‌شود که امریکا به ایران حمله‌ی نظامی نکند... اسرائیل این قابلیت ضروری را دارد که به تنهایی به ایران حمله‌ی نظامی کند.^۱

نکات فوق که تبیین‌کننده‌ی اقداماتی است که اسرائیل در جنگ پست مدرن علیه ایران صورت می‌دهد توسط کارشناسان امور سیاسی - نظامی اسرائیل نیز پیشنهاد گردیده است. اقداماتی نظیر: تلاش بی‌وقفه‌ی سیاسی برای متحد ساختن تمامی کشورهای دموکراتیک جهان در مبارزه علیه اصول‌گرایی خشن و سرچشمه‌ی آن یعنی ایران، کوشش جهت تشریک مساعی کلیه‌ی کشورهای خاورمیانه که با خطر گسترش نفوذ رژیم ایران مواجه هستند، جلوگیری از هرگونه ضعف و ناتوانی در قدرت بازدارندگی اسرائیل، آمادگی عملی و نظری برای احتمال رویارویی اسرائیل، به تنهایی، با تهدید نظامی ایران.^۲

اسرائیل در جهت ایجاد آمادگی برای رویارویی نظامی با ایران دست به اقدامات عملی نیز زده است که از آن جمله می‌توان به خرید هواپیماهای اف - ۱۶ از امریکا که توانایی پرواز در همه‌ی شرایط جوی، شبانه روز و نیز مسافت‌های دور را دارند، اشاره نمود.

به هر ترتیب این گونه به نظر می‌رسد که اسرائیل در جنگ پست مدرن خود در صدد براندازی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و کلیه‌ی امکانات خود و حامیانش را در این راستا به میدان آورده و ایران را در جهت‌های مختلف مورد تهاجم قرار داده است. از سویی با تهاجم

۱. خبرگزاری، پانزدهم شهریور ۱۳۸۲.

۲. افرام سنیه، همان، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

فرهنگی و عملیات روانی، بخشی از اهداف خود را تحقق می‌دهد و از طرفی با به کارگیری تمامی توان پنهان و ابزار فنی پیشرفته‌ی خود دست به جاسوسی از ایران می‌زند. از طرف دیگر با به کارگیری لابی و جریان‌های وابسته به خود، ایران را در معرض فشارها و تنگناهای سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد و در بعد دیگر ایران را هدفی نظامی می‌داند که بایستی با آن رویارویی نظامی داشته باشد.

چشم انداز راهبردی

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از: استراتژی جنگ پست مدرن در حوزه‌های سیاسی امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی چه ویژگی‌هایی دارد و چه نتایجی را ایجاد کرده است؟ در پاسخ به سؤال مذکور گفته شده:

۱- در اسرائیل سیاست و نظامی‌گری در خدمت ایجاد امنیت و پیگیری اهداف تعریف شده در حوزه‌ی ایدئولوژیکی و قومی است. که این موضوع در اظهارات موشه دایان که بیان داشته اسرائیل دارای سیاست خارجی نیست. بلکه دارای سیاست دفاعی می‌باشد. و نیز در رفتارهای سیاسی، امنیتی و نظامی اسرائیل متأثر از جناح‌های راست‌گرای افراطی مستتر است.

۲- علاوه بر حوزه‌هایی نظیر جغرافیا (عدم عمق مطلوب استراتژیک) و ... که بر مسائل سیاسی، امنیتی و نظامی اسرائیل تأثیر می‌گذارد و در جنگ پست مدرن حوزه‌هایی چون مطالعات، تحقیقات و نوآوری، توسعه و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و فن‌آوری و رسانه‌ها و ... نیز به عنوان حوزه‌های جدید تأثیرگذاری اضافه شده است.

۳- به کارگیری وسیع رایانه در تمرین برنامه‌ریزی، کنترل، مدیریت، و ... نبردها با استفاده از پیشرفت‌های فنی و علمی از ویژگی‌های این رویارویی جدید است.

۴- با بررسی و تأمل در چشم اندازهای مالی اسرائیل در ابعاد مختلف امکان روشن نمودن سرعت و عمق متأثر شدن مسائل سیاسی، امنیتی و نظامی از تکنولوژی و ابزارهای پیشرفته در اسرائیل میسر می‌گردد.

۵- از ویژگی‌های جنگ پست مدرن اسرائیل در زمینه‌ی مسائل مالی، وابستگی شدید حوزه‌های امنیتی و نظامی اسرائیل به تکنولوژی پیشرفته است که بودجه‌ی قابل توجه آن توسط کمک‌های خارجی و کمک‌های یهودیان جهان تأمین می‌گردد. که در صورت وقفه و یا قطع این کمک‌ها اسرائیل با بحران‌های شدیدی رو به رو خواهد شد.

۶- وارد شدن اسرائیل به عرصه‌ی جنگ پست مدرن علاوه بر آنکه فرصت‌های جدیدی را در

حوزه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی برای اسرائیل فراهم آورده است، آسیب‌پذیریهای جدیدی را نیز به اسرائیل تحمیل نموده است.

۷- اسرائیل در عرصه‌ی جنگ پست مدرن ناگزیر از سرمایه‌گذاری وسیع در حوزه‌ی توسعه‌ی علوم و تکنولوژی گردیده است. این امر فاصله‌ی اسرائیل با دشمنانش را در این حوزه‌ها زیاد نموده و سبب پیشی گرفتن اسرائیل و بعضاً وابستگی دشمنان به حوزه‌های مختلف به فن‌آوری و... اسرائیل شده و نیز به عنوان برگ برتر در حوزه‌های سیاسی امنیتی و نظامی گردیده است.

۸- بالا رفتن کیفیت فعالیت‌های امنیتی اسرائیل با استفاده از تکنولوژی پیشرفته که سبب افزایش در سرعت انتقال اطلاعات، بالا رفتن ضریب‌های حفاظتی، امکان پیش بینی رفتار دوستان و دشمنان، نفوذ و تأثیرگذاری و... گردیده است.

۹- تقویت توان سازمان‌های جاسوسی با بهره‌گیری از ماهواره‌های پیشرفته که دقت، کیفیت و امکان ارزیابی را افزایش داده و هزینه‌های انسانی و مالی را کاهش داده است.

۱۰- آسیب پذیر شدن اسرائیل در به کارگیری تکنولوژی و ابزار نوین متکی به فن‌آوری مانند قطع برق و اختلال در سیستم‌های رایانه‌ای نظیر هک و ویروس‌ها و...

۱۱- به کارگیری رسانه‌های الکترونیکی، سایت‌های اینترنتی، و... توسط دشمنان اسرائیل که به دلیل عدم امکان کنترل و سانسور اخبار این کشور آسیب پذیر شده است.

۱۲- پیشرفت فنی و تکنولوژیکی اسرائیل در عرصه‌های مختلف فن‌آوری سبب حضور اسرائیل در بازارهای فروش قطعات تجهیزات و... و اختصاص سهم در بازارهای رقابت جهانی شده است.

۱۳. از ویژگی‌های نبرد جدید اسرائیل حضور در عرصه‌ی نبرد واژه‌ها و جنگ‌های مجازی می‌باشد که اسرائیل در این عرصه اقدام به سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در جهت زمینه سازی، ایجاد اشاعه‌ی واژگان جدید، منطبق نمودن آن بر حریف، مستند سازی و... نموده است.

همچنین دشمنان اسرائیل نیز در این عرصه‌ی جدید وارد شده و به اسرائیل ضرباتی را وارد نموده‌اند.

۱۴- استفاده‌ی اسرائیل از تهاجم فرهنگی در سطوح و ابعاد مختلف آن و مشروع دانستن استفاده از وسایل غیر اخلاقی در عرصه‌ی نبرد نرم‌افزاری.

- ۱۵- مشروعیت بخشی به اقدامات خشونت بار از طریق توجیه دینی.
- ۱۶- مسیحیت صهیونیستی نقش ویژه‌ای در پشتیبانی در عرصه‌های مختلف جنگ پست مدرن اسرائیل ایفا می‌نماید. عرصه‌هایی نظیر پشتیبانی سیاسی، ارسال کمک‌های مالی و در اختیار قرار دادن رسانه‌ها استفاده از قدرت سیاسی اقتصادی و نظامی و... ابر قدرت امریکا در حفظ و توسعه‌ی اسرائیل.
- ۱۷- برخی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و... جنگ پست مدرن اسرائیل از ناحیه‌ی ایجاد تنگنانهایی سیاسی اقتصادی و... برای دشمنان اسرائیل از کانال مسیحیت صهیونیستی اعمال می‌گردد.
- ۱۸- یکی از ویژگی‌های جنگ پست مدرن که اسرائیل در آن درگیر است اشکال متفاوت نبرد است که اسرائیل در این رویارویی‌ها بعضاً آسیب پذیر است. برای نمونه شکست این کشور در نبرد با حزب الله در جنوب لبنان که این شکست به واسطه‌ی ویژگی‌هایی نظیر نقش برجسته‌ی رسانه‌ها در آن، چریکی بودن نبرد و ایجاد تلفات به اسرائیل با هدف فشارهای روانی و... محقق شد.
- ۱۹- استفاده از قابلیت‌های ایجاد شده در بهره‌گیری از فضا با ارسال ماهواره و سیستم‌های جدید موشک و ضد موشک.
- ۲۰- استفاده از تمام توان کشور به صورت یک سیستم در راستای تحقیق و فن‌آوری و استفاده از بخش‌های خصوصی در این زمینه.
- ۲۱- از دیگر ویژگی‌های جنگ پست مدرن اسرائیل مواردی چون درگیر نمودن غیر نظامیان در عرصه‌ی نبرد نظیر بمباران مناطق غیر نظامی و کشتار غیر نظامیان، به وجود آوردن محیط نظامی و آموزشی جدید با استفاده از فضاهای مجازی، گسترش سلاح‌های پیشرفته و غیر متعارف نظیر سلاح‌های اتمی شیمیایی و بیولوژیک و... در راستای ایجاد ترس و وحشت برای اعمال سیاست بازدارندگی و تحمیل خواسته‌های خود.
- ۲۲- به‌کارگیری استراتژی جنگ پست مدرن سبب می‌گردد تا اسرائیل در حصول به اهداف سیاسی امنیتی خود با توجه به استفاده از نوآوری‌ها و تجهیزات جدید به شکل کارآمدتری عمل کند و امکان یابد تا کلیه‌ی منابع خود را در راستای رسیدن به هدف بسیج نماید.
- ۲۳- از نتایج به‌کارگیری و ساخت سلاح‌های پیشرفته و مدرن می‌توان از بالا رفتن تلفات دشمنان و پایین آمدن تلفات نیروهای اسرائیل در نبردها یاد نمود.

از دیگر نتایج جنگ پست مدرن اسرائیل می‌توان از تأثیری که این جنگ در جایگاه و شکل‌گیری قدرت در منطقه‌ی خاورمیانه بر جای می‌گذارد یاد نمود. چنان که این گونه به نظر می‌رسد که به سبب گرایش‌های توسعه طلبانه‌ی متأثر از ایدئولوژی و قومیت‌گرایی اسرائیل، صلح در منطقه رو به زوال بوده و منطقه‌ی خاورمیانه آستان تحولات سیاسی نظامی گردیده و امریکای متأثر از مسیحیت صهیونیستی به عنوان یک رسالت در صدد تحمیل خود و برتری دادن اسرائیل در منطقه می‌باشد.

۲۵- توجه اسرائیل به استفاده از فن‌آوری جدید سبب کاهش هزینه‌های نظامی اسرائیل گردیده است.

همچنین ایجاد خود کفایی، کم کردن وابستگی به خارج، فروش قطعات و ایجاد در آمد از دیگر ویژگی‌های توجه اسرائیل به فن‌آوری‌های جدید است.

۲۶- در نبرد پست مدرن اسرائیل در صدد است تا با استفاده از تأثیرگذاری بر فرهنگ ما، ارزش‌ها و تغییر ذائقه‌ها و... نسبت به حساسیت‌زدایی از منفور بودن اسرائیل و ارتباط با آن نزد مردم مسلمان و عرب برآید.

۲۷- نهادهای افراطی مذهبی داخل اسرائیل و مسیحیت صهیونیستی در عرصه‌ی سیاسی و مذهبی، اسرائیل را به سمت راست‌گرایی افراطی و جنگ طلبی سوق می‌دهد و بر تحقق تسلط یهود بر جهان در دوره‌ای که از آن به عنوان آخرالزمان یاد می‌نمایند تأکید خواهند نمود.

۲۸- متأثر شدن هر چه بیشتر حوزه‌های سیاسی امنیتی و نظامی اسرائیل از رسانه‌ها، که هر چه بیشتر نبردهای اسرائیل را از سمت سخت‌افزاری به سمت نرم‌افزاری سوق داده است. این ویژگی جدید (تأثیر رسانه‌ها بر سرنوشت نبرد) ضرورت ایجاد ساز و کار و مدیریت و برنامه‌ریزی متفاوت از برنامه‌ریزی‌های متداول در نبردهای گذشته را ایجاب می‌نمایند، تا مکمل رویارویی جدید باشند.

مباحث مذکور نشان می‌دهد که اسرائیل در استراتژی جنگ پست مدرن در آینده به طور گسترده‌ای از رسانه‌ها جهت تحقق اهداف و مقاصد سیاسی، امنیتی و نظامی استفاده خواهد کرد. حضور در عرصه‌ی نبرد واژه‌ها و جنگ‌های مجازی و سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در جهت زمینه‌سازی ایجاد و اشاعه واژگان جدید و منطبق نمودن این واژه‌ها بر حریف، مستند سازی و مسائلی از این قبیل و همچنین تنوع بخشیدن به سیاست ترور و سرکوب مسلمانان فلسطین با به‌کارگیری ابزار و تجهیزات نوین نظامی و امنیتی نظیر ماهواره‌های جاسوسی و

سایر ابزارهای الکترونیکی، شاخصه‌های این جنگ جدید خواهد بود.

بی تردید روند صلح منطقه‌ی خاورمیانه در آینده تحت تأثیر استراتژی‌های این جنگ جدید خواهد بود.

اگر چه در کنار فرصت‌های جدیدی که فن‌آوری اطلاعاتی و امنیتی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده است، به همان نسبت می‌توان گفت که آسیب‌های جدیدی نیز استراتژی جنگ پست مدرن بر اسرائیل تحمیل خواهد نمود. منتهی این مسأله منوط به شناخت نقاط قوت و ضعف استراتژی جنگ پست مدرن توسط کشورهای خط مقدم نبرد علیه سیاست‌های نژاد پرستانه و توسعه‌طلبانه‌ی رژیم اشغال‌گر قدس می‌باشد.

با بخشی از وجوه متفاوت این استراتژی می‌توان از طریق راهبردهای زیر برخوردار مناسب انجام داد.

الف) اولین گام در برنامه‌ریزی جهت هرگونه مقابله با این نبرد نوین، بررسی دقیق ویژگی‌های این جنگ و به تعبیر دقیق‌تر شناخت آن می‌باشد. شناخت ابعاد این رویارویی و نقاط قوت و ضعف و امکانات، مقدورات و محدودیت‌های اسرائیل در این عرصه و نیز بررسی و شناخت همین نکات در کشورمان، امکان طراحی برنامه‌ای منسجم در جهت تقابل با دشمن را فراهم می‌آورد.

ب) ایجاد بسترهای لازم تحقیقاتی و پژوهشی در داخل کشور و تربیت متخصصان ایرانی و قطع وابستگی در این زمینه به کشورهای خارجی می‌تواند قدرت لازمه را برای وارد شدن در عرصه‌ی این نبرد مضاعف نماید علی‌الخصوص تأسیس دانشگاه اختصاصی جهت علوم رایانه در ابعاد سخت افزار و نرم افزار گامی بلند در این راستا می‌باشد که دانشگاه آزاد اسلامی با داشتن پتانسیل بالای علمی و منابع مالی می‌تواند در این امر پیش قدم باشد.

ج) در حوزه‌ی رسانه‌ای ابعاد جنگ پست مدرن، هر روز بیش از پیش نمایان می‌گردد و سیطره‌ی ماهواره‌ها در اطلاع رسانی مطلوب به نفع سیاست‌گذاران این جریان و پخش فیلم‌های جذاب، هر روز دامنه‌ی وسیع‌تری از مخاطبین را به خود جلب می‌نماید. در این زمینه نیز می‌توان علاوه بر سیاست‌گذاری به عنوان یک تهدید و برنامه‌ریزی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌ها به آن، به‌عنوان یک فرصت نیز نگاه کرد و از آن در جهت اطلاع رسانی و صدور جریان فکری مستقل بهره برد دقیقاً همان اقدامی که شبکه‌های صوتی و تصویری حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل به عرصه‌ی ظهور می‌رسانند. و یا تأثیری که شبکه‌ی العالم در اطلاع

رسانی مستقل به مردم عراق (با دید تساهل از کاستی‌ها و نقاط ضعف آن) ایفا نمود. اما نکته‌ی برجسته‌ای که به عنوان یک پیشنهاد در تهاجمی نمودن جنگ پست مدرن علیه اسرائیل مد نظر است، توجه به این امر است که صهیونیسم در حال اشاعه‌ی تفکرات مطلوب خود در غالب‌های هنری است. اما متأسفانه در مقابل، نقطه‌ی کانونی تفکرات اسلامی که حوزه‌های علمیه می‌باشد از روش‌های نوین تبلیغ غافل مانده است. یکی از کارآمدترین این ابزار که متکی بر فن‌آوری‌های نوین نیز می‌باشد صنعت انیمیشن سازی یا کارتون سازی است. امروز تفکر ناب اسلامی که در تقابل با تفکر صهیونیستی قرار دارد می‌تواند با تصاویر انیمیشنی قلب کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان را در دنیا به تسخیر خود در آورد و کوتاه سخن آنکه برنامه‌ریزان سیستم‌های تبلیغاتی و رایانه‌ای مستقر در حوزه‌های علمیه به جای دادن مواد خام دروس حوزوی و نکات پیدا و پنهان احادیث و روایات که قابل بهره‌برداری سوء توسط دشمنان می‌باشد، می‌توانند با بهره‌گیری از فرهنگ عظیم داستانی و اسلامی و آمیختن آن با هنر انیمیشن سازی آن را در قلوب مخاطبان نهادینه نمایند. البته سرمایه‌گذاری در این امر مختص به حوزه‌های علمیه نیست اما به نظر می‌رسد بهترین جایگاه تلفیق هنر و فرهنگ اسلامی در مقابله با فعالیت رسانه‌ای صهیونیسم، مراکز زیر نظر این نهاد باشد.

د) توجه به یکپارچه نبودن جمعیت یهودیان مهاجر مقیم اسرائیل و نیز کثرت انگیزه‌ها و خواسته‌ها از این کشور خود نقطه‌ی آسیب پذیر جدی رژیم صهیونیستی می‌باشد.

ه) روشن نمودن واقعیات و تأکید بر ابعاد کمتر توجه شده، خسارت به منافع ملی مردم امریکا در حمایت بی‌دلیل از اسرائیل که توسط حامیان آنان در غالب مسیحیان صهیونیست صورت می‌گیرد، یکی از ابعادی است که به نظر می‌رسد در این نبرد پست مدرن قابل سرمایه‌گذاری باشد. این امر می‌تواند از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای صورت پذیرد.